

## گزارش نهایی طرح پژوهشی

### عنوان:

بررسی و طبقه بندی افعال ساده‌ی زبان فارسی بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی  
(پژوهشی در راستای بهینه‌سازی نرم افزارهای غلط‌یاب فارسی)

### مجری:

دکتر محمدهادی فلاحی

عضو هیات علمی گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای

آغاز طرح: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷    پایان طرح: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	فصل اول: کلیات
۳	۱-۱ مقدمه
۳	۱-۲ بیان مساله
۴	۱-۳ ضرورت و اهمیت پژوهش
۴	۱-۴ اهداف پژوهش
۴	۱-۴-۱ اهداف نظری
۴	۱-۴-۲ اهداف کاربردی
۵	۱-۵ پرسش‌ها یا فرضیه‌های پژوهش
۵	۱-۶ چارچوب کلی پژوهش
۶	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش
۷	۲-۱ مقدمه
۷	۲-۲ فعل
۷	۲-۳ نقش‌های تتایی
۸	۲-۴ محدودیت‌های گزینشی
۹	۲-۵ پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط
۹	۲-۵-۱ پژوهش‌های داخلی
۱۰	۲-۵-۲ پژوهش‌های خارجی
۱۲	فصل سوم: روش تحقیق
۱۳	۳-۱ مقدمه
۱۳	۳-۲ جامعه‌ی آماری و نمونه‌های پژوهش
۱۴	۳-۳ روش تحلیل داده‌ها
۱۶	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۷	۴-۱ مقدمه
۱۷	۴-۲ ویژگی‌های توصیفی افعال
۱۷	۴-۳ بررسی افعال بر پایه‌ی نقش‌های تتایی
۱۷	۴-۳-۱ تحلیل کامل افعال
۲۷	۴-۳-۲ بررسی نقش‌های معنایی افعال
۲۸	۴-۴ بررسی افعال بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی

۲۸.....	۴-۴-۱ تحلیل کامل افعال .....
۳۹.....	۴-۴-۲ بررسی موضوع اول .....
۴۰.....	۴-۴-۳ بررسی موضوع دوم .....
۴۲.....	۴-۴-۴ بررسی موضوع سوم .....
۴۴ .....	<b>فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری .....</b>
۴۵.....	۵-۱ مقدمه.....
۴۵.....	۵-۲ مروری بر روند انجام پژوهش .....
۴۵.....	۵-۳ بحث و نتیجه گیری .....
۴۶.....	۵-۴ محدودیت‌های پژوهش .....
۴۷.....	۵-۵ پیشنهادها.....
۴۸.....	منابع و ماخذ.....
۴۸.....	منابع فارسی .....
۴۹.....	منابع انگلیسی .....

## فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۱۷.....	جدول ۱-۴- نقش‌های تتایی.....
۲۸.....	جدول ۲-۴- محدودیت‌های گزینشی.....

### بررسی و طبقه بندی افعال ساده‌ی زبان فارسی بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی (پژوهشی در راستای بهینه سازی نرم افزارهای غلط‌یاب فارسی)

هدف پژوهش حاضر بررسی و طبقه‌بندی افعال ساده‌ی متداول فارسی بر مبنای محدودیت‌های گزینشی است. محدودیت‌های گزینشی از جمله معیارهای معنایی به شمار می‌روند که مانع از شکل‌گیری ساخت‌های نادرست (از لحاظ معنایی) می‌شوند. بدین منظور کلیه‌ی افعال ساده از فرهنگ واژگان معین استخراج شد. همچنین افعال ساده‌ی به کار رفته در ۳۰ شماره از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان نیز استخراج گردید. به منظور بهره‌گیری از شم زبانی دیگر سخنگویان، ۲۰ سخنگوی فارسی زبان با دانش زبانی متوسط به منظور تعیین افعال ساده‌ی متداول، ارایه‌ی مثال و کمک به تعیین موضوعات افعال و همچنین تعیین محدودیت‌های گزینشی افعال، به صورت داوطلبانه به کار گرفته شدند. پس از استخراج افعال، تعداد موضوعات و نقش‌های معنایی آنها برای هر فعل تعیین گردید و سپس محدودیت‌های گزینشی افعال مشخص شد. لازم به ذکر است که درباره‌ی اغلب افعال، تصمیم‌گیری‌ها به صورت اجماع بر روی یک مورد با بسامد بیشتر بوده است. از جمله نتایج این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: از مجموع ۲۵۱ فعل بررسی شده، ۵ فعل ربطی به هیچ موضوعی نقش تتایی نمی‌دهند. ۲۳۲ فعل به موضوع اول خود نقش کنشگر می‌دهند و ۱۴ فعل نیز به موضوع نخست خود نقش تجربه‌گر اعطا می‌کنند. ۵ فعل ربطی بعلاوه‌ی ۶۶ فعل ناگذر (لازم) موضوع دوم ندارند. همچنین ۵ فعل دو وجهی نیز وجود دارد که می‌توانند موضوع دوم داشته باشند یا نداشته باشند. ۱۵۸ فعل به موضوع دوم خود نقش تتایی کنش پذیر می‌دهند. ۷ فعل نقش هدف و ۱۵ فعل نیز به موضوع دوم خود نقش تتایی مکان اعطا می‌کند. در مجموع ۲۲ فعل نیز نیاز به موضوع سوم دارند. با بررسی مولفه‌های معنایی افعال و تعیین محدودیت‌های گزینشی آنها نتایج ذیل به دست آمد: موضوع نخست افعال در ۱۶ گروه، موضوع دوم در ۲۱ و ۷ گروه و موضوع سوم در ۸ گروه با محدودیت‌های گزینشی مشخص، قرار گرفت. پژوهش مذکور در واقع فاز نخست از طرح جامع تهیه‌ی سامانه‌ی محدودیت‌های گزینشی افعال فارسی و همچنین تهیه‌ی پیکره‌ی معنایی افعال زبان فارسی است. فاز دوم این طرح به بررسی و طبقه‌بندی افعال پیشوندی و مرکب زبان فارسی بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی می‌پردازد تا در فازهای سوم و چهارم سامانه و پیکره‌ی مذکور تهیه شود.

واژه‌های کلیدی: فعل، نقش‌های معنایی، محدودیت‌های گزینشی

# فصل اول: کلیات

نگاهی اجمالی به رویکردهای سنتی و جدید در دستور زبان ما را به این واقعیت می‌رساند که فعل، جایگاه ممتازی در کلیه نظریه‌های دستوری دارد. به عبارتی فعل هسته‌ی جمله به شمار می‌رود و به همین دلیل مطالعه‌ی همه‌جانبه‌ی فعل بخش قابل توجهی از مطالعات دستوری را شامل می‌شود. افعال بر اساس ساختمان، معنی، وجه و ... طبقه بندی شده‌اند. تقسیم بندی افعال به سه دسته‌ی ساده، مرکب و پیشوندی، همچنین تقسیم به دو دسته‌ی لازم و متعدی و همچنین تقسیم به وجوه اخباری، امری، پرسشی و التزامی از جمله تقسیم بندی‌های افعال به شمار می‌رود که هر تقسیم بندی از یک منظر انجام شده است. تمرکز این پژوهش بر افعال ساده‌ی زبان فارسی است. افعال مذکور از فرهنگ شش جلدی معین استخراج شده‌اند و با بررسی افعال ساده‌ی به کار رفته در ۳۰ شماره از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، و نظرخواهی از ۲۰ گویشور فارسی زبان، افعال متداول استخراج شدند. نقش‌های معنایی (نقش‌های تئایی) افعال به کمک شم زبانی ۲۰ گویشور و همچنین محدودیت‌های گزینشی افعال مشخص شده و بر این اساس طبقه بندی می‌شوند. پژوهش مذکور در واقع فاز نخست از طرح جامع تهیه‌ی سامانه‌ی محدودیت‌های گزینشی افعال فارسی و پیکره‌ی معنایی افعال زبان فارسی است. فاز دوم این طرح به بررسی و طبقه بندی افعال پیشوندی و مرکب زبان فارسی بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی می‌پردازد تا در فازهای سوم و چهارم سامانه و پیکره تهیه شود.

## ۱-۲ بیان مساله

یکی از دغدغه‌های همیشگی زبان‌شناسان و دستورنویسان این بوده است که افعال را بر حسب ویژگی‌های نحوی طبقه بندی کنند. اما این که کدام ویژگی نحوی معیار طبقه‌بندی قرار گیرد، محل اختلاف بوده است. به نظر می‌رسد تقسیم بندی افعال به دو دسته‌ی لازم و متعدی قدیمی‌ترین رویکرد در این زمینه باشد. این طبقه‌بندی هرچند سودمند است اما در تبیین بسیاری از پیچیدگی‌های نحوی ناکاراست. از جمله شیوه‌های نوین و کارا در بررسی افعال و ساختمان جمله، توجه به ظرفیت افعال و به عبارتی تعداد متمم‌های اجباری و اختیاری افعال است. نظریه‌ی دستور وابستگی که یکی از نظریه‌های صورت‌گراست به مساله‌ی ظرفیت فعل، اسم و صفت می‌پردازد. پژوهش‌های متعددی به بحث ظرفیت افعال فارسی می‌پردازد که مهم‌ترین آنها طیب زاده (۱۳۸۵) است. همچنین نرم افزار فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی نیز توسط رسولی، مولودی، کوهستانی و مینایی بیدگلی تهیه شده است و رسولی (۱۳۹۱) آن را معرفی کرده است و این نرم افزار امروزه در دسترس همگان قرار دارد. ارتباط میان مشخصه‌های معنایی یک فعل و زیر مجموعه‌های آن یکی از مسایلی است که در چهل سال اخیر در زبان‌شناسی مطرح بوده است (هگمن، ۱۹۹۴). اما تا جایی که محقق آگاه است طبقه بندی افعال فارسی بر اساس محدودیت‌های گزینشی (selectional restriction) که متکی بر رابطه‌ی فعل و موضوع‌های (argument) آن است، تا کنون انجام نشده است و این پژوهش می‌تواند یکی از نخستین کارها در زمینه‌ی طبقه بندی افعال فارسی با توجه به ویژگی‌های معنایی و نه نحوی باشد. افعال فارسی از نظر ساختمان به سه دسته‌ی ساده (بسیط)، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌شوند که این پژوهش به

بررسی محدودیت‌های گزینشی افعال ساده‌ی فارسی می‌پردازد. محدودیت‌های گزینشی محدودیت‌هایی معنایی هستند که بر مبنای آن‌ها هر واژه‌ای نمی‌تواند با واژه‌ای دیگر همراه شود و واحد زبانی بزرگتر را تشکیل دهد هر چند تشکیل این واحد زبانی بزرگتر از نظر نحوی بدون اشکال باشد. هدف اصلی این پژوهش طبقه‌بندی افعال ساده‌ی زبان فارسی بر مبنای محدودیت‌های گزینشی است. یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن می‌تواند کمک به بهینه‌سازی غلطیاب‌های رایانه‌ای فارسی باشد. غلطیاب‌های رایانه‌ای که برای زبان فارسی تهیه شده‌اند، اصولاً به واژه می‌پردازند و فقط به اصلاح املاهای واژه‌ها، فاصله‌ها، پسوندها و حروف می‌پردازند. نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه‌ی تهیه نرم‌افزاری را فراهم کند که بر اساس تعیین محدودیت‌های گزینشی افعال ساده، موضوع‌های درست افعال را از موضوع‌های نادرست تشخیص دهد و درستی و نادرستی یک جمله را از نظر معنایی مورد ارزیابی قرار دهد.

### ۳-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

بدون شک پرداختن به مسایل و مشکلات زبان فارسی به طور اعم و تسهیل حضور آن در فضای مجازی به طور اخص اهمیت‌ی انکارناپذیر دارد. زبان فارسی از جمله زبان‌های زنده و مطرح دنیاست که پرداختن به ظرایف و جوانب آن برای هر پژوهشگر زبان فارسی، لازم و ضروری است. هدف این طرح طبقه‌بندی افعال بسیط فارسی بر مبنای محدودیت‌های گزینشی است. محدودیت‌های گزینشی محدودیت‌هایی معنایی هستند و تاکنون افعال فارسی از این منظر طبقه‌بندی نشده‌اند. این طبقه‌بندی می‌تواند در دو حوزه بسیار کاربردی باشد، یکی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و دیگری زبان‌شناسی رایانه‌ای، تهیه‌ی سامانه‌ی معنایی افعال، پیکره‌ی معنایی و تهیه‌ی غلطیاب‌ها. نرم‌افزارهای مختلفی که به زبان فارسی پرداخته‌اند، اصولاً نحو را مبنای تحلیل و تهیه نرم‌افزار قرار داده‌اند بنابراین به نظر می‌رسد نتایج این پژوهش معنی‌شناختی می‌تواند در این حوزه مفید واقع شود.

### ۴-۱ اهداف پژوهش

#### ۱-۴-۱ اهداف نظری

ارایه‌ی فهرستی از افعال ساده‌ی زبان فارسی و طبقه‌بندی آنها بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی

#### ۲-۴-۱ اهداف کاربردی

از جمله اهداف کاربردی این پژوهش کاربردی کردن نتایج آن در راستای بهینه‌سازی نرم‌افزارهای غلطیاب فارسی، تهیه‌ی سامانه‌ی معنایی افعال و همچنین تهیه پیکره‌ی معنایی است.



## ۵-۱ پرسش‌ها یا فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش فرضیه و یا پرسشی ندارد. پژوهشی است توصیفی که به طبقه‌بندی افعال ساده‌ی زبان فارسی بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی که محدودیت‌هایی معنا محور است، می‌پردازد.

## ۶-۱ چارچوب کلی پژوهش

پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول با عنوان کلیات شامل مقدمه، بیان مساله، اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف پژوهش و پرسش‌ها یا فرضیه‌های پژوهش است. در این فصل دورنما، روش‌ها و اهداف پژوهش ترسیم می‌شود. فصل دوم شامل مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش می‌شود. فصل سوم به روش تحقیق می‌پردازد، الگوی پژوهش، جامعه‌ی آماری، نمونه‌ها و شیوه‌های نمونه‌گیری معرفی می‌شود. در فصل چهارم داده‌های استخراج شده از نمونه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و سرانجام فصل پنجم دربردارنده‌ی مروری بر روند پژوهش، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادات خواهد بود.

## فصل دوم:

### مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

## ۲-۱ مقدمه

در این فصل به بررسی و معرفی انواع فعل و چگونگی طبقه‌بندی آنها پرداخته می‌شود، نقش‌های معنایی تتا و محدودیت‌های گزینشی معرفی می‌شوند و در نهایت پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط معرفی می‌شوند.

## ۲-۲ فعل

مقوله‌ی دستوری فعل در دستور زبان به دلیل باز بودن فهرست واژه‌های متعلق به آن، گوناگونی ساختاری اعضای این مقوله‌ی دستوری و ویژگی‌های معنایی که هر ساختار با خود به همراه دارد، از بحث انگیزترین مباحث دستوری بوده است (کرد زعفرانلو، عبدالکریمی و گلغام، ۱۳۹۰: ۲). افعال از منظرهای مختلف طبقه‌بندی شده‌اند: نحوی، صرفی، معنایی، میزان کاربرد و ... . انواع فعل از لحاظ نحوی عبارتند از: فعل واژگانی، فعل رابط (ربطی)، فعل کمکی (معین)، فعل وجهی و عنصر فعلی (در فعل مرکب). فعل واژگانی فعلی است که به تنهایی می‌تواند در جایگاه گروه فعلی ظاهر شود. افعال ربطی صرفاً بر وجود دلالت دارند و معنای خاصی ندارند و حتی در برخی زبان‌ها به کار نمی‌روند. این افعال عبارتند از: است، بود، شد، گشت، گردید، بود و آمد. افعال کمکی نیز افعالی هستند که در صرف افعال واژگانی در زمان‌های مختلف به کار می‌روند که عبارتند از: بود (در گذشته‌ی بعید)، باش (در گذشته‌ی التزامی)، خواه (در آینده)، داشتن (در استمراری) و شدن (در مجهول). فعل‌های وجهی نیز دسته‌ای از افعال است که هم از لحاظ تجزیه‌ی صورت و هم از لحاظ معنی با فعل‌های معین متفاوتند (باطنی، ۱۳۵۴: ۱۹۹-۱۹۴) این افعال شامل باید، می‌شود، بشود، می‌شد، می‌توان، بتوان، و کلیه صورت‌های فعل توانستن می‌شود (مشکوه الدینی، ۱۳۷۹: ۲۲). عنصر فعلی در فعل مرکب نیز فعلی است که در کنار یک عنصر غیر فعلی یک فعل مرکب را تشکیل می‌دهد. همچنین وضعیت تغییر در زمانی افعال نیز از مسایل مورد توجه است. افعالی که به کلی منسوخ شده‌اند، افعالی که مفهوم آنها باقی مانده و در قالب فعلی دیگر ظهور یافته است، افعال ساده‌ای که به افعال پیشوندی یا مرکب تبدیل شده‌اند و ... .

## ۲-۳ نقش‌های تتایی

نظریه‌ی تتا از جمله نظریه‌های زیر مجموعه‌ی نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی است که جامع‌ترین نظریه‌ی دستوری صورت‌گرا به حساب می‌آید. این دیدگاه که در واقع شکل جدیدتر دستور حالت (از جمله گرایش‌های منشعب از دستور زایشی گشتاری) است، به نقش‌های معنایی می‌پردازد. به طور کلی در این دیدگاه برای هر حالت و جایگاه نحوی می‌توان یک نقش تتایی قایل شد. این حکم کلی را چامسکی معیار تتا نام‌گذاری کرده است (دبیرمقدم، ۱۳۸۳). در واقع فعل در جایگاه محمول، تعدادی موضوع دارد که به این موضوعات نقش تتایی اعطا می‌کند و وجود آنها اجباری است. البته عناصر دیگری نیز وجود دارند که وجود آنها اجباری نیست و افزوده (adjunct) نامیده می‌شوند.

نقش‌های تتایی در جمله اصولاً جایگاه ثابتی ندارند و در جدول ذیل که برگرفته از منویلید، آلمدیا، شوارتز و نایر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹، ص ۱۷۳) است ترتیب این نقش‌ها از نظر تعدادی از زبان‌شناسان آورده شده است.

پذیرنده > ابزار > کنشگر	فیلمور (۱۹۶۸)
پذیرنده > مکان > مبدا > هدف > کنشگر	جکندوف (۱۹۷۲)
ابزار > مکان > کنش پذیر > بهره ور > کنشگر	گیون (۱۹۸۴)
مکان/هدف > کنش پذیر > کنش‌رو > ابزار > کنشگر	بیکر (۱۹۸۹)
کنش‌رو > مکان/مبدا > هدف > تجربه‌گر > کنشگر	گریمشاوا (۱۹۹۰)
کنش‌پذیر > کنش‌رو > مکان > تجربه‌گر > اثر گذار > کنشگر	ون ولین (۱۹۹۰)
مکان/مبدا/هدف > کنش‌رو > بهره‌ور / کنش‌پذیر > کنشگر	جکندوف <sup>۲</sup> (۱۹۹۰)

با توجه به جدول بالا به نظر می‌رسد علی‌رغم تنوعی که در نقش‌های تتایی دیده می‌شود این تنوع در نقش‌های پس از کنشگر است و اصولاً در مورد این نقش اختلاف نظری وجود ندارد. در تعریف این موضوعات می‌توان چنین گفت: کنشگر (agent) کننده‌ی کار است، تجربه‌گر (experiencer) احساسی را تجربه می‌کند، کنش‌پذیر (theme) کاری بر او واقع می‌شود ولی تغییری در حالت او ایجاد نمی‌شود. البته لازم به ذکر است که در برخی از منابع از اصطلاح Patient نیز برای کنش‌پذیری که در حالت او تغییری ایجاد شده است، استفاده می‌شود که در این پژوهش هر دو نوع موضوع در یک طبقه قرار گرفته‌اند. بهره‌ور (beneficiary) کسی است که از انجام کار سودی ببرد، ابزار (instrument) که همان ابزار انجام کار است، مکان (location) محل انجام کار و یا محلی که انجام عمل به سوی آن است که البته گاهی مقصد هم گفته می‌شود و هدف (purpose) نیز نشان دهنده‌ی دلیل انجام یک کار است.

#### ۴-۲ محدودیت‌های گزینشی

پیش از پرداختن به چپستی محدودیت‌های گزینشی لازم است به چگونگی شکل‌گیری آن اشاره شود. سرچشمه‌ی شکل‌گیری بحث محدودیت‌های گزینشی و مولفه‌های معنایی، بحث مختصات واجی در واج‌شناسی بود. در واقع پس از طرح مختصات واجی از سوی واج‌شناسان و به ویژه مولفه‌هایی نظیر [+واک] / [-واک]، [+خیشومی] / [-خیشومی] و جز آن که بر حسب آرای واج‌شناسان مکتب پراگ و به طور اخص در دیدگاه

<sup>1</sup> Manouilidou, C. Almedia, R. Schwartz, G. Nair, N. P.V

<sup>2</sup> Jackendoff, R.

تروبتسکوی مولفه‌های جهانی به حساب آمدند، معنی‌شناسان نیز به این وسوسه افتادند تا با الگوگیری از واج‌شناسی، در مطالعه‌ی معنی نیز به مولفه‌هایی دست یابند که جهانی نماید (صفوی، ۱۳۷۹).

افعال برای انتخاب موضوع‌های خود محدودیت‌هایی را اعمال می‌کنند و به عبارتی هر کلمه‌ای با هر ویژگی معنایی را به عنوان فاعل یا مفعول نمی‌پذیرند (کروگر، ۲۰۰۵: ۱۷۳). محدودیت‌های گزینشی محدودیت‌هایی هستند که مانع از شکل‌گیری بسیاری از ترکیبات زبانی می‌شود به گونه‌ای که مثلاً افعال برای انتخاب موضوع‌های خود محدودیت‌هایی اعمال می‌کنند و به عبارتی هر کلمه‌ای با هر ویژگی معنایی را به عنوان فاعل و یا مفعول خود نمی‌پذیرند. به عنوان مثال فعل خوردن الزاماً نیاز به کنشگری جاندار و کنش‌پذیری جاندار و یا بی‌جان دارد. بر این اساس مولفه‌های معنایی جاندار / غیر جاندار، انسان / غیر انسان، انتزاعی / عینی، مذکر / مؤنث، بالغ / نابالغ ملاک تعیین محدودیت‌های گزینشی قرار می‌گیرد. در این پژوهش با بررسی موضوع‌های افعال با توجه به نوع موضوعاتی که به دلیل محدودیت‌های گزینشی می‌پذیرند، طبقه‌بندی نهایی صورت می‌گیرد.

## ۲-۵ پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط

به دلیل جایگاه و نقش خاص فعل در ساختمان جمله و در زبان، بررسی آن از دیر باز جایگاهی خاص در پژوهش‌های زبانی داشته است. به گونه‌ای که افعال در زبان‌های مختلف از لحاظ ساختمان، نقش، جایگاه و ... مورد بررسی‌های عمیق و همه‌جانبه قرار گرفته‌اند. درباره‌ی فعل در زبان فارسی نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی به آن پرداخته‌اند اما وجه مشترک اغلب این پژوهش‌ها بهره‌گیری از شیوه‌های سنتی در تجزیه و تحلیل است. در این جا به معرفی برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته بر روی افعال فارسی می‌پردازیم. با توجه به این که حجم این گونه پژوهش‌ها زیاد است، در این جا تنها پژوهش‌هایی معرفی می‌شوند که با پژوهش حاضر هم‌راستا باشند. این پژوهش‌ها با بهره‌گیری از رویکردهای نوین زبان‌شناسی و به ویژه با بهره‌گیری از دستور وابستگی (dependency grammar)، دستور حالت (case grammar) و مفاهیم نقش‌های تتایی (theta roles)، مولفه‌های معنایی، محدودیت‌های گزینشی و ... انجام شده‌اند.

### ۲-۵-۱ پژوهش‌های داخلی

کریمی دوستان (۱۳۷۹) در پژوهشی به بررسی چگونگی شکل‌گیری برخی ترکیب‌ها و اشتقاق‌ها در زبان فارسی بر مبنای نظریه‌ی ساخت موضوعی می‌پردازد. جامع‌ترین پژوهش در زمینه‌ی ظرفیت افعال فارسی را طبیب زاده (۱۳۸۵) انجام داده است. نویسنده در این کتاب فعل‌های زبان فارسی را با عنوان بسیط، مرکب، پیشوندی و پی‌بستی بررسی کرده و متمم‌های آنها را بازشناخته است و بر همین اساس افعال را طبقه‌بندی کرده است. نویسنده با بررسی ۲۰۰۰ فعل آنها را بر حسب ظرفیتشان به چهار طبقه‌ی تک ظرفیتی، دو ظرفیتی، سه ظرفیتی و چهار ظرفیتی تقسیم کرده است. او همچنین هر طبقه از افعال را نیز بر حسب متمم‌هایی که می‌گیرند بازشناخته است مثلاً فعل‌های سه ظرفیتی را به پنج گروه تقسیم کرده است. نویسنده

با تعیین ظرفیت افعال و تعیین متمم‌های آن‌ها، ۲۳ ساخت بنیادین را در زبان فارسی باز می‌شناسد. رفیعی (۱۳۸۶) محدودیت‌های گزینشی را فقط در سطح واژه و ساخت درونی واژه می‌داند و این محدودیت‌ها را به چهار دسته‌ی انتزاعی/عینی، فعل فعال/ فعل غیر فعال، صفت فعال/ صفت غیر فعال و قید فعال/ قید غیر فعال تقسیم می‌کند و بر این مبنا چگونگی افزوده شدن وندها به واحدهای مختلف زبانی را بررسی می‌کند. مولودی، کوهستانی و رسولی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به اهمیت و چگونگی تدوین فرهنگ ظرفیتی افعال فارسی می‌پردازند. همچنین آنان نقش این فرهنگ را در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان تبیین می‌کنند. راسخ مهند (۱۳۹۱) با بررسی افعال ربطی با توجه به محدودیت‌های گزینشی این افعال، چنین نتیجه می‌گیرد که این افعال در محدودیت‌های گزینشی هیچ نقشی ندارند و اصولاً فاقد معنایی خاص هستند. در واقع در جملات دارای فعل ربطی، اعمال محدودیت گزینشی بر عهده‌ی عنصر غیر فعلی است. منصوری زاده و نصیری (۱۳۹۱) در گزارشی روابط ساختاری میان واژگان را مورد بررسی قرار می‌دهند و بخش اصلی این گزارش به جایگاه فعل و نقش فعل مربوط می‌شود. در این پژوهش ۵۰۰ فعل کاربردی در حوزه‌ی فن آوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به معیار ظرفیت افعال (تعداد موضوعات مورد نیاز برای هر فعل) بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند. رسولی (۱۳۹۱) با ارایه‌ی طرحی که منجر به تهیه‌ی یک نرم افزار شده است، فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی را ارایه داده است. این فرهنگ مجموعه ایست حاوی اطلاعات مربوط به ظرفیت نحوی بیش از ۴۵۰۰ فعل در زبان فارسی. در این فرهنگ متمم‌های اجباری و اختیاری انواع فعل‌های ساده، مرکب، پیشوندی و عبارات فعلی مشخص شده است. همچنین رسولی، مینایی، فیلی و امینیان (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود به بررسی روش‌های مختلف استخراج بی ناظر ظرفیت فعل در زبان فارسی پرداخته‌اند. آنان در این پژوهش مشکلات موجود را برشمرده‌اند و از میان روش‌های مختلف استخراج بی ناظر ظرفیت فعل، الگوریتم بیشینه سازی امید<sup>۳</sup> (EM) را دقیق‌ترین روش استخراج ظرفیت افعال معرفی کرده‌اند. چراغی و کریمی دوستان (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین افعال و موضوعات آنها پرداخته‌اند و افعال زبان فارسی را از منظر نمودی طبقه بندی کرده‌اند. آنان پیکره‌ای شامل ۶۰ فعل را بررسی کردند و افعال را در ۴ طبقه‌ی اصلی و ۱۰ طبقه‌ی فرعی تقسیم بندی کردند. مهرجو (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی ظرفیت افعال، انواع متمم‌های فعلی و ساخت‌های بنیادین جمله در زبان فارسی پرداخته است و در پایان نتیجه گرفته است که تحلیل نحوی در دستور وابستگی تنوعات ساختاری بیشتری نسبت به تحلیل نحوی سنتی دارد..

## ۲-۵-۲ پژوهش‌های خارجی

مهاجر قمی (۱۹۷۸، به نقل از طیب زاده، ۱۳۸۵) نخستین اثری است که ساخت‌های ظرفیتی افعال فارسی را از دیدگاه نظریه‌ی ظرفیت واژگانی بررسی کرده است. وی در این پژوهش ۱۰ نوع متمم برای افعال فارسی برشمرده است. کروگر (۲۰۰۵) در بخشی از کتاب خود به بحث محدودیت‌های گزینشی پرداخته است. وی معتقد است محدودیت‌های گزینشی بر پایه‌ی دانش مشترک سخنگویان یک زبان انتخاب می‌شود و می‌تواند از زبانی به زبان دیگر متفاوت باشد. همچنین وی اعلام می‌دارد که محدودیت‌های گزینشی باید بر

<sup>3</sup> Expectation Maximization

مبنای نقش‌های معنایی (عامل، پذیرا و...) تعریف شوند و نه بر اساس نقش‌های نحوی (فاعل، مفعول و...). شوارتز و گومز (۲۰۰۸) در پژوهشی تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از یک پیکره‌ی زبانی با برجسبدهی به نقش‌های معنایی افعال کاربرد آن‌ها را در ماشین‌های vector تسهیل کنند. رفیعی و اظه‌ری (۲۰۱۳) به بررسی نقش محدودیت‌های دستوری، آوایی، ساخت‌واژی، منظورشناختی و معنایی در پیوستن وند (انه) به پایه‌های فارسی پرداخته‌اند. آنان واژه‌های لازم را از دو فرهنگ لغت استخراج کرده‌اند و به بررسی وضعیت این واژه‌ها با توجه به محدودیت‌های گزینشی البته در سطح واژه پرداخته‌اند.

تا آن جایی که نویسنده آگاه است تا کنون پژوهشی بر روی افعال زبان فارسی بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی به منظور طبقه‌بندی آنها انجام نشده است و تحقیقات صورت گرفته و طبقه‌بندی‌های انجام شده اصولاً بر مبنای ظرفیت افعال بوده است.

فصل سوم:  
روش تحقیق



در فصل پیش رو نخست، جامعه‌ی آماری و نمونه‌های پژوهش معرفی می‌شوند و سپس روش تحلیل داده‌ها توصیف می‌شود.

## ۳-۲ جامعه‌ی آماری و نمونه‌های پژوهش

کلیدی افعال ساده‌ی زبان فارسی جامعه‌ی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بهترین و جامع‌ترین منبع دسترسی به این افعال فرهنگ‌های واژگان است. از میان فرهنگ‌های موجود، فرهنگ معین به دلیل جامعیت نسبت به فرهنگ‌های تدوین شده در سال‌های اخیر و جدیدتر بودن نسبت به فرهنگ دهخدا، انتخاب شد. فرهنگ معین نخستین بار در سال ۱۳۵۰ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این فرهنگ شامل سه بخش لغات، ترکیبات خارجی و اعلام است. با بهره‌گیری از این فرهنگ می‌توان اطلاعاتی از واژگان و اصطلاحات فارسی و همچنین واژه‌ها و اصطلاحات عربی، ترکی، مغولی، هندی و برخی زبان‌های هندو اروپایی متداول در زبان فارسی به دست آورد. نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش تنها افعال ساده‌ای هستند که امروزه متداول هستند. کلیدی افعال ساده‌ی متداول از این فرهنگ استخراج شد. برای دسترسی به افعال متداول امروزی علاوه بر فرهنگ معین، ۱۵ شماره‌ی اخیر روزنامه‌ی اطلاعات و ۱۵ شماره‌ی اخیر روزنامه‌ی کیهان مورد بررسی قرار گرفت و افعال ساده‌ی آن‌ها استخراج شد.

۱۵ شماره از روزنامه‌ی اطلاعات که مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از:

۲ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۰، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۱

۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۲، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۳

۷ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۴، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۵

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۶، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۷

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۸، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۰۹

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۱۰، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۱۱

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۱۲، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۱۳

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۹۱، شماره‌ی ۲۶۷۱۴

۱۵ شماره از روزنامه‌ی کیهان که مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از:

۲ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره‌ی ۲۱۶۰۴، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره‌ی ۲۱۶۰۵

- ۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۷، ۲۱۶۰۷
- ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۹، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۹، ۲۱۶۰۸
- ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۱، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۱، ۲۱۶۱۱
- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۳، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۳، ۲۱۶۱۳
- ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۶، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۶، ۲۱۶۱۵
- ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۸، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۷، ۲۱۶۱۷
- ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، سال ۷۵، شماره ۱۹، ۲۱۶۱۸

### ۳-۳ روش تحلیل داده‌ها

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کتابخانه‌ای است. در این پژوهش کلیه‌ی افعال ساده‌ی زبان فارسی از فرهنگ لغت معین (شش جلدی) استخراج شده است. فرهنگ معین به دلیل جامعیت نسبت به فرهنگ سخن و فرهنگ عمید، برتری دارد و نسبت به فرهنگ دهخدا نیز جدیدتر بودن آن و نزدیک‌تر بودن زمان تدوین آن به زمان حاضر، دلیل انتخاب آن بوده است. این فهرست افعال در اختیار حداقل بیست نفر فارسی زبان با دانش زبانی متوسط قرار گرفت تا با استفاده از شم و دانش زبانی خود، افعالی را که امروزه متداول می‌دانند از افعال غیر متداول باز شناسند. ۳۰ شماره‌ی اخیر روزنامه‌های اطلاعات و کیهان هم بررسی شد و افعال ساده‌ی آن‌ها نیز استخراج شد. پس از تهیه‌ی فهرست افعال، ظرفیت افعال تعیین شدند. در تعیین ظرفیت افعال نیز به دانش و شم زبانی دست کم بیست گویشور فارسی زبان نیاز بود تا با ارایه‌ی جملات و مثال‌های مختلف تعداد متمم‌های افعال مشخص شود و افعال به سه دسته‌ی تک ظرفیتی با یک متمم، دو ظرفیتی با دو متمم، سه ظرفیتی با سه متمم تقسیم شوند. زمانی که بر روی تعداد متمم‌های اجباری یک فعل اتفاق نظر وجود نداشت، نظر اکثریت، ملاک عمل قرار گرفت.

به منظور تعیین تعداد متمم‌های افعال، از نظریه‌ی دستور وابستگی که یکی از نظریه‌های مکتب صورت‌گراست استفاده شد. دستور وابستگی نظریه‌ای عمدتاً نحوی است که بر اساس آن ساخت نحوی جملات زبان توسط رابطه و یا روابط میان یک هسته و وابسته‌های آن تعیین می‌شود. در این دیدگاه دستور نویسان با الهام از مفهوم ظرفیت در شیمی، کوشیده‌اند تا بدین وسیله افعال را طبقه‌بندی کنند. ظرفیت هر فعل را تعداد متمم‌هایی که باید با فعل بیایند و یا وجودی اختیاری دارند، تعیین می‌کند. در دستور وابستگی فرض بر این است که هر جمله یک فعل مرکزی دارد و تعیین ظرفیت هر فعل از این نظر مهم است که ساختار هر جمله بستگی به فعلی دارد که در آن به کار می‌رود.

پس از تعیین ظرفیت افعال، نقش‌های معنایی هر کدام از متمم‌ها با بهره‌گیری از نظریه‌ی نقش‌های

تتابی تعیین شد. تعیین نقش‌های تتایی افعال به دلیل یکسان نبودن نظر صاحب نظران و همچنین تا حدودی سلیقه‌ای بودن معیارها، دشوار است به همین دلیل در این پژوهش نقش‌های کنشگر، کنش پذیر، تجربه‌گر، مکان، بهره‌ور، هدف و ابزار لحاظ شده است. در مرحله‌ی پایانی افعال بر اساس محدودیت‌های گزینشی طبقه‌بندی شده‌اند. با توجه به مشخص نبودن تعداد و چگونگی مولفه‌های معنایی افعال، در این پژوهش افعال با توجه به چهار مولفه‌ی [ + و - عینی ]، [ + و - جاندار ]، [ + و - جانور ]، [ + و - انسان ]، مورد بررسی قرار گرفته و طبقه‌بندی شده‌اند.

دو نکته‌ی مهم قابل ذکر این است که نخست در این پژوهش محدودیت‌های گزینشی تنها بر مبنای کاربرد افعال در گفتار رسمی بررسی شده‌اند و نه در کاربردهای غیر رسمی و ادبی. زیرا به ویژه در ژانر ادبی به دلیل بهره‌گیری از صنایع ادبی و به ویژه تشخیص بخشی، محدودیت‌های گزینشی افعال دستخوش تغییر می‌شود و دوم این که در بررسی برخی افعال نمی‌توان به محدودیت‌های گزینشی قطعی برای آنها دست یافت و چه بسا خواننده‌ی تقسیم‌بندی‌ها و تحلیل‌های این پژوهش ممکن است موارد دیگری را ذکر کند و یا برخی از این محدودیت‌های گزینشی را نپذیرد.

## فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

## ۴-۱ مقدمه

در فصل چهارم نخست به بررسی ویژگی‌های توصیفی افعال ساده می‌پردازیم و در بخش‌های بعدی طبقه‌بندی افعال ساده بر مبنای نقش‌های تتایی و سپس طبقه‌بندی آنها بر مبنای محدودیت‌های گزینشی انجام خواهد شد.

## ۴-۲ ویژگی‌های توصیفی افعال

۱۴۴۴ فعل ساده از فرهنگ معین استخراج شده است. این افعال شامل افعال متداول، منسوخ، شکل سببی افعال، افعال با تغییر آوایی و افعالی است که اکنون به فعل پیشوندی و یا مرکب تبدیل شده‌اند. از مجموع افعال ذکر شده، ۲۵۴ فعل به عنوان افعال ساده‌ی متداول فارسی استخراج شدند و برای اطمینان از متداول بودن آنها، با افعال مستخرج از ۳۰ شماره‌ی روزنامه‌های اطلاعات و کیهان مقایسه شدند، هرچند که همه‌ی این افعال در روزنامه‌ها به کار نرفته بودند. از میان افعال مذکور ۶۸ فعل ناگذر (لازم)، ۵ فعل دو وجهی (چپیدن، خراشیدن، ریختن، شکافتن و شکستن)، ۵ فعل ربطی (استن، بودن، شدن، گشتن و گردیدن) و ۱۷۳ فعل گذرا (متعدی) است.

## ۴-۳ بررسی افعال بر پایه‌ی نقش‌های تتایی

### ۴-۳-۱ تحلیل کامل افعال

جدول ۴-۱-۱- نقش‌های تتایی

ردیف	فعل(مصدر)	بن ماضی	بن مضارع	موضوع اول	موضوع دوم	موضوع سوم
۱	آراستن	آراست	آرا	کنشگر	کنش پذیر	
۲	آرمیدن (آرام گرفتن)	آرمید	آرام	کنشگر	*	
۳	آزردن	آزرد	آزار	کنشگر	کنش پذیر	
۴	آزمودن	آزمود	آزما	کنشگر	کنش پذیر	
۵	آشامیدن	آشامید	آشام	کنشگر	کنش پذیر	
۶	آغشتن	آغشت		کنشگر	کنش پذیر	هدف
۷	آفریدن	آفرید	آفرین	کنشگر	کنش پذیر	
۸	آکندن (پر کردن)	آکند	آکند	کنشگر	کنش پذیر	
۹	آگاهاندن	آگاهاند	آگاه	کنشگر	کنش پذیر	
۱۰	آلودن	آلود	آلا	کنشگر	کنش پذیر	

	کنش پذیر	کنشگر	آموز	آموخت	آموختن	۱۱
	*	کنشگر	آ	آمد	آمدن	۱۲
	کنش پذیر/ بهره ور	کنشگر	آموز	آموزید	آموزیدن	۱۳
هدف	کنش پذیر	کنشگر	آمیز	آمیخت	آمیختن (مخلوط کردن)	۱۴
	کنش پذیر	کنشگر	آور	آورد	آوردن	۱۵
هدف	کنش پذیر	کنشگر	آویز	آویخت	آویختن	۱۶
	کنش پذیر	کنشگر	ارز	ارزید	ارزیدن (بها داشتن)	۱۷
	*	*			استن	۱۸
	*	کنشگر	افت	افتاد	افتادن (سقوط کردن)	۱۹
	کنش پذیر	کنشگر	افراز	افراشت	افراشتن	۲۰
	کنش پذیر	کنشگر	افروز	افروخت	افروختن	۲۱
بهره ور	کنش پذیر	کنشگر	افزا	افزود	افزودن	۲۲
مکان	کنش پذیر	کنشگر	افشان	افشاند	افشاندن	۲۳
مکان	کنش پذیر	کنشگر	افکن	افکند	افکندن	۲۴
مکان	کنش پذیر	کنشگر		انباشت	انباشتن	۲۵
	هدف	کنشگر	انجام	انجامید	انجامیدن (به پایان رسیدن)	۲۶
	کنش پذیر	کنشگر	انداز	انداخت	انداختن	۲۷
	کنش پذیر	کنشگر	اندوز	اندوخت	اندوختن	۲۸
	هدف	تجربه گر	اندیش	اندیشید	اندیشیدن	۲۹
هدف	هدف	تجربه گر	انگار	انگاشت	انگاشتن (تصور کردن)	۳۰
	*	کنشگر	ایست	ایستاد	ایستادن	۳۱
	کنش پذیر/ بهره ور	کنشگر	باز	باخت	باختن	۳۲
	*	کنشگر	بار	بارید	باریدن	۳۳
	کنش پذیر	کنشگر	باف	بافت	بافتن	۳۴
	هدف	کنشگر	بال	بالید	بالیدن	۳۵
هدف	کنش پذیر	کنشگر	باوران	باوراند	باوراندن	۳۶

۳۷	بخش‌یابیدن (عفو کردن)	بخش‌یابید	بخش‌ای	کنش‌گر	کنش پذیر / بهره ور
۳۸	بخش‌ودن (عفو کردن)	بخش‌ود	بخش	کنش‌گر	کنش پذیر / بهره ور
۳۹	بخش‌یدن (رحم کردن)	بخش‌ید	بخش	کنش‌گر	کنش پذیر / بهره ور
۴۰	بخش‌یدن (عطا کردن)	بخش‌ید	بخش	کنش‌گر	کنش پذیر / بهره ور
۴۱	بردن (حمل کردن)	برد	بر	کنش‌گر	کنش پذیر
۴۲	بردن (پیروز شدن)	برد	بر	کنش‌گر	کنش پذیر / بهره ور
۴۳	برگرداندن	برگرداند	برگردان	کنش‌گر	کنش پذیر
۴۴	برگشتن (باز آمدن)	برگشت	برگرد	کنش‌گر	*
۴۵	بریدن (قطع کردن)	برید	بر	کنش‌گر	کنش پذیر
۴۶	بستن	بست	بند	کنش‌گر	کنش پذیر
۴۷	بودن	بود	باش	*	*
۴۸	بوسیدن	بوسید	بوس	کنش‌گر	کنش پذیر / بهره ور
۴۹	بوییدن	بویید	بو	تجربه گر	کنش پذیر
۵۰	بیختن (غزبال کردن)	بیخت	بیز	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۱	پاشیدن	پاشید	پاش	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۲	پالودن	پالود	پالا	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۳	پاییدن (نگهبانی کردن)	پایید	پا	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۴	پختن	پخت	پز	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۵	پذیرفتن	پذیرفت	پذیر	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۶	پراکندن	پراکند	پراکن	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۷	پرداختن (واریز کردن)	پرداخت	پرداز	کنش‌گر	کنش پذیر
۵۸	پرداختن (مشغول شدن)	پرداخت	پرداز	کنش‌گر	کنش پذیر

	کنش پذیر	کنشگر	پرست	پرستید	پرستیدن	۵۹
	کنش پذیر	کنشگر	پرس	پرسید	پرسیدن	۶۰
	کنش پذیر	کنشگر	پرور	پرورد	پروردن	۶۱
	*	کنشگر	پر	پرید	پریدن	۶۲
	*	کنشگر	پر	پرید	پریدن (پرواز کردن)	۶۳
	*	کنشگر	پژمر	پژمرد	پژمردن	۶۴
	کنش پذیر	کنشگر	پسند	پسندید	پسندیدن	۶۵
	*	کنشگر	پلاس	پلاسد	پلاسدیدن (پژمرده شدن)	۶۶
	*	کنشگر	پلک	پلکید	پلکیدن (به کندی راه رفتن)	۶۷
	*	تجربه گر	پندار	پندااشت	پندااشتن	۶۸
	*	کنشگر	پوس	پوسید	پوسیدن	۶۹
	کنش پذیر	کنشگر	پوش	پوشید	پوشیدن	۷۰
	مکان	کنشگر	پو	پوید	پویدن (حرکت کردن)	۷۱
	کنش پذیر	کنشگر	پیچ	پیچید	پیچیدن	۷۲
	*	کنشگر	پیچ	پیچید	پیچیدن (دور زدن)	۷۳
	کنش پذیر / بهره ور	کنشگر	پیرا	پیراست	پیراستن	۷۴
	کنش پذیر	کنشگر	پیما	پیمانده	پیمانده (پیمانده کردن)	۷۵
	کنش پذیر	کنشگر	پیما	پیمود	پیمودن	۷۶
	کنش پذیر	کنشگر	پیوند	پیوست	پیوستن	۷۷
	کنش پذیر	کنشگر	تاب	تاباند	تاباندن (تاب دادن)	۷۸
	کنش پذیر	کنشگر	تاب	تابید	تابیدن	۷۹
	کنش پذیر	کنشگر	تاز	تاخت	تاختن	۸۰
	*	کنشگر	تپ	تپید	تپیدن	۸۱
	کنش پذیر	کنشگر	تراش	تراشید	تراشیدن	۸۲
	مکان	کنشگر	تراو	تراوید	تراویدن	۸۳
	*	تجربه گر	ترس	ترسید	ترسیدن	۸۴



	*	کنشگر	ترک	ترکید	ترکیدن	۸۵
	*	کنشگر	تک {بدون کاربرد}	تکید	تکیدن (لاغر شدن)	۸۶
	کنش پذیر	کنشگر	تن	تنید	تنیدن (بافتن)	۸۷
	*	کنشگر	توان	توانست	توانستن	۸۸
	کنش پذیر	کنشگر	جو	جست	جستن [jostan]	۸۹
	*	کنشگر	جه	جست	جستن [jastan]	۹۰
	*	کنشگر	جنب	جنبید	جنبیدن	۹۱
	کنش پذیر	کنشگر	جنگ	جنگید	جنگیدن	۹۲
	*	کنشگر	جوش	جوشید	جوشیدن	۹۳
	کنش پذیر	کنشگر	جو	جوید	جویدن	۹۴
	*	کنشگر	جه	جهید	جهیدن	۹۵
	کنش پذیر	کنشگر	چاپ	چاپید	چاپیدن (غارت کردن)	۹۶
	مکان	کنشگر	چپ	چپید	چپیدن (در چیزی فرو رفتن، مثلا در گل فرو رفتن)	۹۷
	کنش پذیر	کنشگر	چرب	چربید	چربیدن (چیره شدن)	۹۸
	*	کنشگر	چرخ	چرخید	چرخیدن	۹۹
	*	کنشگر	چروک	چروکید	چروکیدن	۱۰۰
	*	کنشگر	چر	چرید	چریدن	۱۰۱
	کنش پذیر	کنشگر	چسب	چسبید	چسبیدن	۱۰۲
	کنش پذیر	تجربه گر	چش	چشید	چشیدن	۱۰۳
	*	کنشگر	چگ {بدون کاربرد}	چکید	چکیدن	۱۰۴
	کنش پذیر	کنشگر	چلان	چلاند	چلانیدن	۱۰۵
	کنش پذیر	کنشگر	چین	چید	چیدن	۱۰۶
	*	تجربه گر	خار	خارید	خاریدن	۱۰۷
	کنش پذیر	کنشگر	خراش	خراشید	خراشیدن	۱۰۸
	*	کنشگر	خرام	خرامید	خرامیدن (راه رفتن با ناز)	۱۰۹
	*	کنشگر	خروش	خروشید	خروشیدن	۱۱۰

	کنش پذیر	کنشگر	خر	خرید	خریدن	۱۱۱
	*	کنشگر	خز	خزید	خزیدن	۱۱۲
	*	کنشگر	خشک	خشکید	خشکیدن	۱۱۳
	*	کنشگر		خفت	خفتن	۱۱۴
		کنشگر	خند	خندید	خندیدن	۱۱۵
	*	کنشگر	خواب	خوابید	خوابیدن	۱۱۶
	کنش پذیر	کنشگر	خواه	خواست	خواستن	۱۱۷
	کنش پذیر	کنشگر	خوان	خواند	خواندن (مطالعه کردن)	۱۱۸
	کنش پذیر	کنشگر	خور	خورد	خوردن (فرو بردن غذا از گلو)	۱۱۹
	کنش پذیر	کنشگر	خیس	خیساند	خیساندن	۱۲۰
بهره ور	کنش پذیر	کنشگر	ده	داد	دادن (چیزی به کسی سپردن)	۱۲۱
	کنش پذیر	کنشگر	دار	داشت	داشتن (دارا بودن)	۱۲۲
	کنش پذیر	تجربه گر	دان	دانست	دانستن	۱۲۳
	کنش پذیر	کنشگر	درو	دروید	درویدن	۱۲۴
	کنش پذیر	کنشگر	در	درید	دریدن	۱۲۵
	کنش پذیر	کنشگر	دزد	دزدید	دزدیدن	۱۲۶
	*	کنشگر	دم	دمید	دمیدن	۱۲۷
	*	کنشگر	دو	دوید	دویدن	۱۲۸
	کنش پذیر	کنشگر	دوز	دوخت	دوختن	۱۲۹
	کنش پذیر	کنشگر	دوش	دوشید/دوخت	دوشیدن	۱۳۰
	کنش پذیر	تجربه گر	بین	دید	دیدن	۱۳۱
مکان	کنش پذیر	کنشگر	ران	راند	راندن	۱۳۲
	کنش پذیر	کنشگر	ربا	ربود	ربودن	۱۳۳
	*	کنشگر	رو	رست	رستن [rostan] (روپیدن)	۱۳۴
	مکان	کنشگر	ره	رست	رستن [rastan] (رها شدن)	۱۳۵
	مکان/ مقصد	کنشگر	رس	رسید	رسیدن (به جایی وارد شدن)	۱۳۶

۱۳۷	رسیدن(از حالت کال در آمدن)	رسید	رس	کنشگر	*
۱۳۸	رفتن [raftan]	رفت	رو	کنشگر	*
۱۳۹	رفتن [roftan]	رفت	روب	کنش پذیر	کنش پذیر
۱۴۰	رقصیدن	رقصید	رقص	کنشگر	*
۱۴۱	رمیدن	رمید	رم	کنشگر	*
۱۴۲	رنجیدن	رنجید	رنج	تجربه گر	*
۱۴۳	روبیدن (جارو کردن)	روبید	روب	کنشگر	کنش پذیر
۱۴۴	رویدن	روید	روی	کنشگر	*
۱۴۵	رهیدن	رهید	ره	کنشگر	مکان / مقصد
۱۴۶	ریختن	ریخت	ریز	کنشگر	کنش پذیر
۱۴۷	ریدن	رید	رین	کنشگر	*
۱۴۸	ریسیدن	ریسید	ریس	کنشگر	کنش پذیر
۱۴۹	زاییدن	زایید	زا	کنشگر	کنش پذیر
۱۵۰	زدن (کتک زدن)	زد	زن	کنشگر	کنش پذیر
۱۵۱	زدودن	زدود	زدا	کنشگر	کنش پذیر هدف
۱۵۲	زیستن	زیست	زی	کنشگر	کنش پذیر
۱۵۳	ساییدن/ساییدن	سایید	سا	کنشگر	کنش پذیر ابزار
۱۵۴	ساختن (بنا کردن)	ساخت	ساز	کنشگر	کنش پذیر
۱۵۵	ساختن(کنار آمدن)	ساخت	ساز	کنشگر	کنش پذیر
۱۵۶	سپردن	سپرد	سپر	کنشگر	کنش پذیر بهره ور / مقصد
۱۵۷	ستاندن	ستاند	ستان	کنشگر	کنش پذیر
۱۵۸	ستردن (پاک کردن)	سترد		کنشگر	کنش پذیر
۱۵۹	ستودن	ستود	ستان	کنشگر	کنش پذیر / بهره ور
۱۶۰	سراییدن	سرایید	سرا	کنشگر	کنش پذیر
۱۶۱	سرودن	سرود	سرا	کنشگر	کنش پذیر
۱۶۲	سریدن (لغزیدن)	سرید	سرا	کنشگر	*

ابزار	کنش پذیر	کنشگر	سج	سنجید	سنجیدن (اندازه گرفتن)	۱۶۳
	*	کنشگر	سوز	سوخت	سوختن	۱۶۴
	*	کنشگر	شاش	شاشید	شاشیدن	۱۶۵
	مکان/ مقصد	کنشگر	شتاب	شتافت	شتافتن	۱۶۶
	*	*	شو	شد	شدن	۱۶۷
	کنش پذیر	کنشگر	شو	شست	شستن	۱۶۸
	کنش پذیر	کنشگر	شکاف	شکافت	شکافتن	۱۶۹
	کنش پذیر	کنشگر	شکن	شکاند	شکاندن (شکستن)	۱۷۰
	کنش پذیر	کنشگر	شکن	شکست	شکستن	۱۷۱
	*	کنشگر	شکف	شکفت	شکفتن	۱۷۲
	کنش پذیر	کنشگر	شمر	شمرد	شمردن	۱۷۳
	کنش پذیر	تجربه گر	شناس	شناخت	شناختن	۱۷۴
	کنش پذیر	تجربه گر	شنو	شنید	شنیدن	۱۷۵
	کنش پذیر	کنشگر	شور	شورید	شوریدن (شورش کردن)	۱۷۶
	کنش پذیر	کنشگر	طلب	طلبید	طلبیدن	۱۷۷
	*	کنشگر	غر	غرید	غریدن	۱۷۸
	مکان	کنشگر	غلت	غلتید	غلتیدن	۱۷۹
	کنش پذیر	کنشگر	فرست	فرستاد	فرستادن	۱۸۰
	کنش پذیر	کنشگر	فرما	فرمود	فرمودن	۱۸۱
	کنش پذیر	کنشگر	فروش	فروخت	فروختن	۱۸۲
	کنش پذیر	کنشگر	فریب	فریفت	فریفتن	۱۸۳
	کنش پذیر	کنشگر	فشر	فشرد	فشردن	۱۸۴
	کنش پذیر	تجربه گر	فهم	فهمید	فهمیدن	۱۸۵
	کنش پذیر	کنشگر	قاپ	قاپید	قاپیدن (ربودن)	۱۸۶
بهره ور	کنش پذیر	کنشگر	قبولان	قبولاند	قبولاندن	۱۸۷
	کنش پذیر	کنشگر	کاه	کاست	کاستن (کم کردن)	۱۸۸
	کنش پذیر	کنشگر	کار	کاشت	کاشتن	۱۸۹

	کنش پذیر	کنشگر	کاو	کاوید	کاویدن (جست و جو کردن)	۱۹۰
	کنش پذیر	کنشگر	کش	کشت	کشتن	۱۹۱
	کنش پذیر	کنشگر	کش	کشید	کشیدن (چیزی را به سمتی بردن)	۱۹۲
	کنش پذیر	کنشگر	کن	کند	کندن	۱۹۳
	کنش پذیر	کنشگر	کوب	کوبید	کوبیدن	۱۹۴
	*	کنشگر	کوچ	کوچید	کوچیدن	۱۹۵
	هدف	کنشگر	کوش	کوشید	کوشیدن (تلاش کردن)	۱۹۶
	کنش پذیر	کنشگر	کوب	کوفت	کوفتن	۱۹۷
	کنش پذیر	کنشگر	گداز	گداخت	گداختن (ذوب کردن)	۱۹۸
مکان	کنش پذیر	کنشگر	گذار	گذاشت/گذار	گذاشتن (گذارن)	۱۹۹
	کنش پذیر	کنشگر	گذران	گذراند	گذراندن	۲۰۰
	مکان	کنشگر	گذران	گذشت	گذشتن (عبور کردن)	۲۰۱
	کنش پذیر	کنشگر	گذران	گذشت	گذشتن (بخشیدن)	۲۰۲
	هدف	کنشگر	گرای	گرایید	گراییدن	۲۰۳
	مکان	کنشگر	گرد	گردید	گردیدن (چرخیدن)	۲۰۴
	*	*	گرد	گردید	گردیدن (شدن)	۲۰۵
	کنش پذیر	کنشگر	گیر	گرفت	گرفتن (به چنگ آوردن)	۲۰۶
	هدف	کنشگر	گرای	گروید	گرویدن (ایمان آوردن)	۲۰۷
	*	کنشگر	گریز	گریخت	گریختن	۲۰۸
	*	کنشگر	گری	گریست	گریستن	۲۰۹
	کنش پذیر	کنشگر	گزار	گذاشت/گزار	گذاشتن (گزاردن)	۲۱۰
	کنش پذیر	کنشگر	گزین	گزید	گزیدن [gozidan]	۲۱۱
	کنش پذیر	کنشگر	گز	گزید	گزیدن [gazidan]	۲۱۲
	کنش پذیر	کنشگر	گستر	گستر	گستریدن	۲۱۳

	*	کنشگر	گسل	گسست	گسستن	۲۱۴
	*	کنشگر		گسیخت	گسیختن	۲۱۵
	مکان	کنشگر	گرد	گشت	گشتن (چرخیدن)	۲۱۶
	*	*	گرد	گشت	گشتن (شدن)	۲۱۷
	کنش پذیر	کنشگر	گشا	گشود	گشودن	۲۱۸
	کنش پذیر	کنشگر	گو	گفت	گفتن	۲۱۹
هدف	کنش پذیر	کنشگر	گمار	گماشت/ گمارد	گماشتن (گماردن)	۲۲۰
	مکان	کنشگر	گنج	گنجید	گنجیدن (جا گرفتن چیزی در جایی)	۲۲۱
	*	کنشگر	لاس	لاسید	لاسیدن	۲۲۲
	*	کنشگر	لرز	لرزید	لرزیدن	۲۲۳
	*	کنشگر	لغز	لغزید	لغزیدن	۲۲۴
	کنش پذیر	کنشگر	لمبان	لمباند	لمباندن (غذا را با ولع خوردن)	۲۲۵
	مکان	کنشگر	لم {بدون کاربرد}	لمید	لمیدن	۲۲۶
	*	کنشگر	لنگ	لنگید	لنگیدن	۲۲۷
	*	کنشگر	لول	لولید	لولیدن (جنبیدن)	۲۲۸
	کنش پذیر	کنشگر	لیس	لیسید	لیسیدن	۲۲۹
	*	کنشگر	ماس	ماسید	ماسیدن (سفت شدن)	۲۳۰
مکان	کنش پذیر	کنشگر	مال	مالید	مالیدن	۲۳۱
	مکان	کنشگر	مان	ماند	ماندن	۲۳۲
	*	کنشگر	میر	مرد	مردن	۲۳۳
	کنش پذیر	کنشگر	مک	مکید	مکیدن	۲۳۴
	کنش پذیر	کنشگر	ناز	نازید	نازیدن	۲۳۵
	*	کنشگر	نال	نالید	نالیدن	۲۳۶
هدف	کنش پذیر	کنشگر	نام	نامید	نامیدن	۲۳۷
	*	کنشگر	نشین	نشست	نشستن	۲۳۸
	کنش پذیر	کنشگر		نکوهید	نکوهیدن	۲۳۹

۲۴۰	نگاشتن (تصویر کردن)	نگاشت	نگار	کنشگر	کنش پذیر
۲۴۱	نگریستن	نگریست	نگر	تجربه گر	کنش پذیر
۲۴۲	نمایاندن	نمایاند	نمایان	کنشگر	کنش پذیر
۲۴۳	نمودن (نشان دادن)	نمود	نمایان	کنشگر	کنش پذیر
۲۴۴	نواختن (ساز زدن)	نواخت	نواز	کنشگر	کنش پذیر
۲۴۵	نوشتن	نوشت	نویس	کنشگر	کنش پذیر
۲۴۶	نوشیدن	نوشید	نوش	کنشگر	کنش پذیر
۲۴۷	نهادن	نهاد	نه	کنشگر	کنش پذیر مکان
۲۴۸	نهفتن	نهفت		کنشگر	کنش پذیر مکان
۲۴۹	وزیدن	وزید	وز	کنشگر	*
۲۵۰	هراسیدن	هراسید	هراس	کنشگر	*
۲۵۱	یافتن	یافت	یاب	کنشگر	کنش پذیر

### ۲-۳-۴ بررسی نقش‌های معنایی افعال

موضوع نخست: از مجموع ۲۵۱ فعل بررسی شده، ۵ فعل ربطی «استن، بودن، شدن، گشتن و گردیدن» به هیچ موضوعی نقش تتایی نمی‌دهند. ۲۳۲ فعل به موضوع اول خود نقش کنشگر می‌دهند و ۱۴ فعل نیز به موضوع نخست خود نقش تجربه‌گر اعطا می‌کنند. این افعال عبارتند از: اندیشیدن، انگاشتن، بوییدن، پنداشتن، ترسیدن، چشیدن، خاریدن، دانستن، دیدن، رنجیدن، شناختن، شنیدن، فهمیدن و نگریستن. لازم به ذکر است که در اغلب موارد منظور از افعالی که به موضوع اول خود نقش تتایی تجربه‌گر می‌دهند، افعال حسی بوده است ولی در این پژوهش علاوه بر افعال حسی افعالی نیز که نشانگر احساس روانی و عاطفی هستند نیز در این دسته از افعال قرار گرفته‌اند.

موضوع دوم: ۵ فعل ربطی به علاوه‌ی ۶۸ فعل ناگذر (لازم) موضوع دوم ندارند. همچنین ۶ فعل دو وجهی نیز وجود دارد که می‌توانند موضوع دوم داشته باشند یا نداشته باشند. ۱۵۹ فعل به موضوع دوم خود نقش تتایی کنش‌پذیر می‌دهند. ۷ فعل نقش هدف و ۱۴ فعل نیز به موضوع دوم خود نقش تتایی مکان اعطا می‌کند.

موضوع سوم: در مجموع ۲۲ فعل نیاز به موضوع سوم دارند که عبارتند از: آغشتن (هدف)، آمیختن (هدف)، آویختن (هدف/مکان)، افزودن (بهره ور)، افشاندن (مکان)، افکندن (مکان)، انباشتن (مکان)، انگاشتن (هدف)، باوراندن (هدف)، دادن (بهره ور)، راندن (مکان)، زدودن (هدف)، ساییدن (ابزار)، سپردن (بهره ور)، سنجیدن

(ابزار)، قبولاندن (بهره ور)، گذاشتن (مکان)، گماشتن (هدف)، مالیدن (مکان)، نامیدن (هدف)، نهادن (مکان) و نهفتن (مکان).

#### ۴-۴ بررسی افعال بر پایه‌ی محدودیت‌های گزینشی

##### ۴-۴-۱ تحلیل کامل افعال

جدول ۲-۴- محدودیت‌های گزینشی

ردیف	فعل (مصدر)	بن ماضی	بن مضارع	موضوع اول	موضوع دوم	موضوع سوم
۱	آراستن	آراست	آرا	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	
۲	آرمیدن	آرمید	آرام	± انسان		
۳	آزردن	آزرد	آزار	± انسان	± عینی، ± انسان	
۴	آزمودن	آزمود	آزما	+ انسان	± انسان	
۵	آشامیدن	آشامید	آشام	± انسان	_ جاندار	
۶	آغشتن	آغشت		+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± عینی، _ جاندار
۷	آفریدن	آفرید	آفرین	± عینی، + انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	
۸	آکندن	آکند	آکند	+ انسان	_ جاندار	
۹	آگاهاندن	آگاهاند	آگاه	+ انسان	± انسان	
۱۰	آلودن	آلود	آلا	+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	
۱۱	آموختن	آموخت	آموز	± انسان	_ عینی	
۱۲	آمدن	آمد	آ	± انسان		
۱۳	آمرزیدن	آمرزید	آمرز	_ عینی	+ انسان	
۱۴	آمیختن	آمیخت	آمیز	± انسان	_ جاندار	_ جاندار
۱۵	آوردن	آورد	آور	± جاندار، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	
۱۶	آویختن	آویخت	آویز	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± جاندار، _ جانور
۱۷	آرزیدن	آرزید	آرز	± عینی، ± جاندار، ± جانور	_ عینی، ± انسان	
۱۸	استن (هستن)			± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	



	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± جاندار				۱۹
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان				۲۰
	± جاندار، ± جانور، ± انسان		افت	افتاد	افتادن	۲۱
	± انسان	± جاندار	افرا	افراشت	افراشتن	۲۲
	+ انسان	± جاندار	افروز	افروخت	افروختن	۲۳
± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	افزا	افزود	افزودن	۲۴
± عینی، - جاندار	± انسان	± جاندار	افشان	افشاند	افشاندن	۲۵
± عینی، - جاندار	± انسان	± انسان	افکن	افکند	افکندن	۲۶
± جاندار	± انسان	± جاندار، ± جانور	انبار	انباشت	انباشتن	۲۷
	± عینی	± عینی	انجام	انجامید	انجامیدن	۲۸
	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	انداز	انداخت	انداختن	۲۹
	± انسان	± جاندار	اندوز	اندوخت	اندوختن	۳۰
	± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	اندیش	اندیشید	اندیشیدن	۳۱
	+ انسان	جمله				۳۲
± عینی، ± انسان	+ انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور	انگار	انگاشت	انگاشتن	۳۳
	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	ایست	ایستاد	ایستادن	۳۴
	± انسان	± عینی	باز	باخت	باختن	۳۵
	± انسان	± انسان				۳۶
	± جاندار	± جاندار	بار	بارید	باریدن	۳۷
	± انسان	± جاندار	باف	بافت	بافتن	۳۸
	+ انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	بال	بالید	بالیدن	۳۹
+ انسان	+ انسان	± عینی	باوران	باوراند	باوراندن	۴۰
	+ انسان	± انسان	بخشای	بخشایید	بخشاییدن	۴۲
	+ انسان	± انسان	بخش	بخشود	بخشودن	۴۳

۴۴	بخشیدن(رحم کردن)	بخشید	بخش	_عینی،+ انسان	± انسان
۴۵	بخشیدن(عطا کردن)	بخشید	بخش	_عینی،+ انسان	_ جاندار، _ جانور، _ انسان
۴۶	بردن(حمل کردن)	برد	بر	± جاندار، + جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۴۷	بردن(پیروز شدن)	برد	بر	± جاندار، + جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۴۸	برگرداندن	برگرداند	برگردان	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۴۹	برگشتن	برگشت	برگرد	± جاندار، + جانور، ± انسان	
۵۰	بریدن	برید	بر	± انسان	± جاندار، _ جانور
۵۱	بستن	بست	بند	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۵۲	بودن	بود	باش	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۵۳	بوسیدن	بوسید	بوس	+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۵۴	بوییدن	بویید	بو	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۵۵	بیختن	بیخت	بیز	+ انسان	_ جاندار
۵۶	پاشیدن	پاشید	پاش	± انسان	_ جاندار
۵۷	پالودن	پالود	پالا	+ انسان	± عینی، ± جاندار
۵۸	پاییدن	پایید	پا	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۵۹	پختن	پخت	پز	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۶۰		پخت	پز	_ جاندار	*
۶۱	پذیرفتن	پذیرفت	پذیر	+ انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۶۲				+ انسان	جمله
۶۳	پراکندن	پراکند	پراکن	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۶۴	پرداختن	پرداخت	پرداز	+ انسان	± عینی، _ جاندار
۶۵	پرداختن(مشغول شدن)	پرداخت	پرداز	± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان

± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	پرست	پرستید	پرستیدن	۶۶
_ عینی	+ انسان	پرس	پرسید	پرسیدن	۶۷
± جانور، ± انسان	± انسان	پرور	پرورد	پروردن	۶۸
	± انسان	پر	پرید	پریدن	۶۹
	± جانور، _ انسان	پر	پرید	پریدن (پرواز کردن)	۷۰
	_ جانور	پژمر	پژمرد	پژمردن	۷۱
± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	پسند	پسندید	پسندیدن	۷۲
	_ جانور	پلاس	پلاکید	پلاکیدن	۷۳
	± انسان	پلک	پلکید	پلکیدن	۷۴
جمله	+ انسان	پندار	پنداشت	پنداشتن	۷۵
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	پوس	پوسید	پوسیدن	۷۶
_ جاندار	+ انسان	پوش	پوشید	پوشیدن	۷۷
	± انسان	پو	پوید	پویدن	۷۸
_ جاندار	± انسان	پیچ	پیچید	پیچیدن	۷۹
	± انسان	پیچ	پیچید	پیچیدن (دور زدن)	۸۰
± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	پیرا	پیراست	پیراستن	۸۱
_ جاندار	+ انسان	پیما	پیمانند	پیمانندن	۸۲
_ جاندار	± جاندار، ± جانور، ± انسان	پیما	پیمود	پیمودن	۸۳
± جاندار، + جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	پیوند	پیوست	پیوستن	۸۴
± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	تاب	تاباند	تاباندن (تاب دادن)	۸۵
	_ جاندار	تاب	تابید	تابیدن	۸۶
_ انسان	+ انسان	تاز	تاخت	تاختن	۸۷
جمله	+ انسان				۸۸
	+ جاندار	تپ	تپید	تپیدن	۸۹
_ جاندار	+ انسان	تراش	تراشید	تراشیدن	۹۰

۹۱	تراویدن	تراوید	تراو	_جاندار
۹۲	ترسیدن	ترسید	ترس	
۹۳	ترکیدن	ترکید	ترک	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۹۴	تکیدن	تکید	تک	± جاندار
۹۵	تنیدن	تنید	تن	_جاندار
۹۶	توانستن	توانست	توان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۹۷	جُستن	جست	جو	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۹۸	جَستن	جست	جه	± انسان
۹۹	جنبیدن	جنبید	جنب	± انسان
۱۰۰	جنگیدن	جنگید	جنگ	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۰۱	جوشیدن	جوشید	جوش	_جاندار
۱۰۲	جویدن	جوید	جو	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۰۳	جهیدن	جهید	جه	+ جانور
۱۰۴	چاپیدن	چاپید	چاپ	± جاندار، + جانور، + انسان
۱۰۶	چپیدن	چپید	چپ	_جاندار
۱۰۷		چپید	چپ	± جاندار، + جانور، ± انسان
۱۰۸	چربیدن	چربید	چرب	_جاندار
۱۰۹	چرخیدن	چرخید	چرخ	± جاندار، + جانور، ± انسان
۱۱۰	چروکیدن	چروکید	چروک	± جاندار
۱۱۱	چریدن	چرید	چر	_انسان
۱۱۲	چسبیدن	چسبید	چسب	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۱۳	چشیدن	چشید	چش	± عینی، - جاندار
۱۱۴	چکیدن	چکید	چگ	_جاندار
۱۱۵	چلاندن	چلاند	چلان	± جاندار، ± جانور، ± انسان

	جاندار_	± انسان	چید	چید	چیدن	۱۱۶
		+جاندار	خار	خارید	خاریدن	۱۱۷
	± جاندار	± انسان	خراش	خراشید	خراشیدن	۱۱۸
		+جانور، ± انسان	خراش	خراشید		۱۱۹
		± انسان	خرام	خرامید	خرامیدن	۱۲۰
		+ انسان، ± جاندار	خروش	خروشید	خروشیدن	۱۲۱
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	خر	خرید	خریدن	۱۲۲
		± انسان	خز	خزید	خزیدن	۱۲۳
		± جاندار، - جانور	خشک	خشکید	خشکیدن	۱۲۴
		± انسان	خواب	خفت	خفتن	۱۲۵
		+ انسان	خند	خندید	خندیدن	۱۲۶
		± جانور، ± انسان	خواب	خوابید	خوابیدن	۱۲۷
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	خواه	خواست	خواستن	۱۲۸
	جمله	± انسان				۱۲۹
	جاندار_	+ انسان	خوان	خواند	خواندن	۱۳۰
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	خور	خورد	خوردن	۱۳۱
	جاندار_	+ انسان	خیس	خیساند	خیساندن	۱۳۲
± جاندار، ± عینی، ± جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± انسان	ده	داد	دادن	۱۳۳
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	دار	داشت	داشتن	۱۳۴
	عینی_	± انسان	دان	دانست	دانستن	۱۳۵
	جمله	± جانور، ± انسان				۱۳۶
	جاندار_	+ انسان	درو	دروید	درویدن	۱۳۷
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	در	درید	دریدن	۱۳۸
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	دزد	دزدید	دزدیدن	۱۳۹
		+ انسان	دم	دمید	دمیدن	۱۴۰

		± انسان	دو	دوید	دویدن	۱۴۱
	_ جاندار	± جاندار، + جانور، + انسان	دوز	دوخت	دوختن	۱۴۲
	_ انسان	+ انسان	دوش	دوشید/دوخت	دوشیدن	۱۴۳
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	بین	دید	دیدن	۱۴۴
± جاندار، ± جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	ران	راند	راندن	۱۴۵
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	ربا	ربود	ربودن	۱۴۶
		_ جانور	رو	رست	رستن	۱۴۷
	± عینی، _ جاندار	± انسان	ره	رست	رستن	۱۴۸
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	رس	رسید	رسیدن	۱۴۹
		_ جاندار	رس	رسید	رسیدن (از حالت کال درآمدن)	۱۵۰
		± جاندار، ± جانور، ± انسان	رو	رفت	رفتن	۱۵۱
	_ جاندار	± انسان	روب	رفت	رفتن	۱۵۲
		± جاندار، ± جانور، ± انسان	رقص	رقصید	رقصیدن	۱۵۳
		± انسان	رم	رمید	رمیدن	۱۵۴
	± عینی، ± انسان	+ انسان	رنج	رنجید	رنجیدن	۱۵۵
			روب	روبید	روبیدن	۱۵۶
		+ جاندار، - جانور	روی	رویید	روییدن	۱۵۷
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	ره	رهید	رهیدن	۱۵۸
	± عینی، _ جاندار	± جاندار، ± جانور، ± انسان	ریز	ریخت	ریختن	۱۵۹
		± جاندار، ± جانور، ± انسان	ریز	ریخت		۱۶۰
		± انسان	رین	رید	ریدن	۱۶۱
	_ جاندار	± انسان	ریس	ریسید	ریسیدن	۱۶۲
	± انسان	± انسان	زا	زایید	زاییدن	۱۶۳

۱۶۴	زذن	زد	زن	± جاندار، +جانور، ± انسان	± انسان
۱۶۵	زدودن	زدود	زدا	+ انسان	± عینی، _ جاندار
۱۶۶	زیستن	زیست	زی	± انسان	_ جاندار
۱۶۷				± عینی،+جاندار، +جانور، ± انسان	+ عینی،+جاندار، +جانور
۱۶۸	ساییدن/ساییدن	سایید	سا	+ انسان	_ جاندار
۱۶۹	ساختن	ساخت	ساز	± انسان	_ جاندار
۱۷۰	ساختن(کنار آمدن)	ساخت	ساز	+ انسان	± عینی،+جاندار، +جانور، ± انسان
۱۷۱	سپردن	سپرد	سپر	+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۷۲	ستاندن	ستاند	ستان	± انسان	± عینی،± جاندار، ± جانور، _ انسان
۱۷۳	ستردن	ستر		+ انسان	
۱۷۴	ستودن	ستود	ستان	+ انسان	± عینی، + انسان
۱۷۵	سراییدن	سرایید	سرا	+ انسان	_ عینی
۱۷۶	سرودن	سرود	سرا	+ انسان	_ عینی
۱۷۷	سریدن	سرید	سرا	± انسان	
۱۷۸	سنجیدن	سنجید	سنج	± انسان	± عینی،± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۷۹	سوختن	سوخت	سوز	± جاندار، ± جانور، ± انسان	
۱۸۰	شاشیدن	شاشید	شاش	± انسان	
۱۸۱	شتافتن	شتافت	شتاب	± انسان	_ جاندار
۱۸۲	شدن	شد	شو	± عینی،± جاندار، ± جانور، ± انسان	_ عینی
۱۸۳	شستن	شست	شو	± جاندار، +جانور، ± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۸۴	شکافتن	شکافت	شکاف	± انسان	± جاندار، _ جانور
۱۸۵		شکافت	شکاف	± جاندار	
۱۸۶	شکاندن	شکاند	شکن	± انسان	± جاندار، _ جانور

۱۸۷	شکستن	شکست	شکن	± جاندار، +جانور، ± انسان	
۱۸۸	شکستن	شکست	شکن	± انسان	± جاندار، _ جانور
۱۸۹	شکفتن	شکفت	شکف	_ جانور	
۱۹۰	شمردن	شمرد	شمر	± جاندار، +جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۹۱	شناختن	شناخت	شناس	± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۹۲	شنیدن	شنید	شنو	± انسان	_ جاندار
۱۹۳	شوریدن	شورید	شور	+ انسان	± عینی، +جانور، +انسان
۱۹۴	طلبیدن	طلبید	طلب	+ انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۹۵	غریدن	غرید	غر	± انسان	
۱۹۶	غلتیدن	غلتید	غلت	± جاندار، ± جانور	_ جاندار، ± انسان
۱۹۷	فرستادن	فرستاد	فرست	± جاندار، +جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۱۹۸	فرمودن	فرمود	فرما	+ انسان	_ عینی
۱۹۹				+ انسان	جمله
۲۰۰	فروختن	فروخت	فروش	± جاندار، +جانور، +انسان	± جاندار، +جانور، ± انسان
۲۰۱	فریفتن	فریفت	فریب	+ انسان	± عینی، +جانور، ± انسان
۲۰۲	فشردن	فشرد	فشر	± جاندار، +جانور، +انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۲۰۳	فهمیدن	فهمید	فهم	جانور، ± انسان	_ عینی
۲۰۴	قاپیدن	قاپید	قاپ	± انسان	± جاندار، +جانور، ± انسان
۲۰۵	قبولاندن	قبولاند	قبولان	+ انسان	_ عینی
۲۰۶	کاستن	کاست	کاه	± جاندار، +جانور، ± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۲۰۷	کاشتن	کاشت	کار	+ انسان	± جاندار، _ جانور
۲۰۸	کاویدن	کاوید	کاو	± انسان	_ جاندار
۲۰۹	کشتن	کشت	کش	± انسان	± انسان
۲۱۰	کشیدن	کشید	کش	± انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان



	± جاندار، _ جانور	± جاندار، + جانور، ± انسان	کن	کند	کندن	۲۱۱
	_ جاندار	± انسان	کوب	کوبید	کوبیدن	۲۱۲
		± انسان	کوچ	کوچید	کوچیدن	۲۱۳
	جمله	± انسان	کوش	کوشید	کوشیدن	۲۱۴
	_ عینی	± انسان	کوش	کوشید		۲۱۵
	_ جاندار	± انسان	کوب	کوفت	کوفتن	۲۱۶
	_ جاندار	+ انسان	گداز	گداخت	گداختن	۲۱۷
± جاندار	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	گذار	گذاشت/گذار	گذاشتن(گذاردن)	۲۱۸
	_ عینی	+ انسان	گذران	گذراند	گذرانیدن	۲۱۹
	± عینی، _ جاندار	± جاندار، + جانور، ± انسان	گذران	گذشت	گذشتن(عبور کردن)	۲۲۰
	± انسان	انسان	گذران	گذشت	گذشتن) بخشیدن)	۲۲۱
	± عینی، ± جاندار، ± انسان	+ انسان	گرای	گرایید	گراییدن	۲۲۲
	_ جاندار	± جاندار، ± جانور، ± انسان	گرد	گردید	گردیدن	۲۲۳
	_ عینی	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	گرد	گشت	گردیدن (شدن)	۲۲۴
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	گیر	گرفت	گرفتن	۲۲۵
	_ عینی	+ انسان	گرای	گروید	گرویدن	۲۲۶
		± انسان	گریز	گریخت	گریختن	۲۲۷
		± انسان	گری	گریست	گریستن	۲۲۸
	_ عینی	+ انسان	گزار	گذاشت/گزار	گذاشتن(گزاردن)	۲۲۹
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	گزین	گزید	گزیدن	۲۳۰
	± انسان	_ انسان	گز	گزید	گزیدن	۲۳۱
	_ جاندار	± انسان	گستر	گستر	گستر	۲۳۲
		± انسان	گسل	گسست	گسستن	۲۳۳
	_ جاندار			گسیخت	گسیختن	۲۳۴
	_ جاندار	± جاندار، ± جانور، ± انسان	گرد	گشت	گشتن	۲۳۵

	_ جاندار	± جاندار، ± جانور، ± انسان	گرد	گشت		۲۳۶
	_ عینی	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	گرد	گشت	گشتن(شدن)	۲۳۷
	_ جاندار	± انسان	گشا	گشود	گشودن	۲۳۸
	_ عینی	+ انسان	گو	گفت	گفتن	۲۳۹
	جمله	+ انسان	گو	گفت		۲۴۰
_ عینی	+ انسان	+ انسان	گمار	گماشت/ گمارد	گماشتن(گماردن)	۲۴۱
	_ جاندار	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	گنج	گنجید	گنجیدن	۲۴۲
		+ انسان	لاس	لاسید	لاسیدن	۲۴۳
		± جاندار، ± جانور، ± انسان	لرز	لرزید	لرزیدن	۲۴۴
		± جاندار، + جانور، ± انسان	لغز	لغزید	لغزیدن	۲۴۵
	_ جاندار	± انسان	لمبان	لمباند	لمباندن	۲۴۶
	_ جاندار	± انسان	لمبان	لمید	لمیدن	۲۴۷
		± انسان	لنگ	لنگید	لنگیدن	۲۴۸
		± انسان	لول	لولید	لولیدن	۲۴۹
	± جاندار، ± جانور، ± انسان	± انسان	لیس	لیسید	لیسیدن	۲۵۰
	_ جاندار	_ جاندار	ماس	ماسید	ماسیدن	۲۵۱
_ جاندار	_ جاندار، ± جاندار	± انسان	مال	مالید	مالیدن	۲۵۲
	_ جاندار	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	مان	ماند	ماندن	۲۵۳
		± انسان	میر	مرد	مردن	۲۵۴
	± جاندار	± انسان	مک	مکید	مکیدن	۲۵۵
	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	ناز	نازید	نازیدن	۲۵۶
		+ انسان	نال	نالید	نالیدن	۲۵۷
_ عینی	± جاندار، ± جانور، ± انسان	+ انسان	نام	نامید	نامیدن	۲۵۸

۲۵۹	نشستن	نشست	نشین	± جاندار، + جانور، ± انسان	
۲۶۰	نکوهیدن	نکوهید		+ انسان	انسان
۲۶۱	نگاشتن	نگاشت	نگار	+ انسان	_ عینی، _ جاندار
۲۶۲	نگریستن	نگریست	نگر	± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۲۶۳	نمایاندن	نمایاند	نمایان	+ انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان
۲۶۴	نمودن	نمود	نمایان	+ انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، + انسان
۲۶۵	نواختن	نواخت	نواز	+ انسان	_ عینی
۲۶۶	نوشتن	نوشت	نویس	+ انسان	_ عینی
۲۶۷	نوشیدن	نوشید	نوش	± انسان	_ جاندار
۲۶۸	نهادن	نهاد	نه	+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۲۶۹	نهفتن	نهفت		+ انسان	± جاندار، ± جانور، ± انسان
۲۷۰	وزیدن	وزید	وز	_ جاندار	
۲۷۱	هراسیدن	هراسید	هراس	± انسان	
۲۷۲	یافتن	یافت	یاب	± انسان	± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان

## ۲-۴-۴ بررسی موضوع اول

موضوع نخست افعال در ۱۶ گروه با محدودیت‌های گزینشی مشخص، قرار گرفت که عبارتند از:

(۱) [±انسان] (انسان و حیوان) شامل:

آراستن، آرمیدن، آزدن، آشامیدن، آمیختن، آمدن، آمیختن، آویختن، آفراشتن، افشاندن، افکندن، انباشتن، انداختن، اندوختن، اندیشیدن، ایستادن، باختن، بافتن، برگرداندن، بریدن، بستن، بویدن، پاییدن، پرداختن، پروردن، پریدن، پلکیدن، پویدن، پیچیدن، پیچیدن (دور زدن)، ترسیدن، تنیدن، جستن، جنبیدن، جنگیدن، جویدن، جهیدن، چرخیدن، چشیدن، چلانیدن، چیدن، خراشیدن، خرامیدن، خزیدن، خفتن، خواستن، خوردن، دانستن، دریدن، دزدیدن، دویدن، دیدن، راندن، ربودن، رستن، رفتن، رمیدن، رهیدن، ریدن، ریسیدن، زاییدن، زیستن، ساختن، ستاندن، سریدن، سنجیدن، شاسیدن، شتافتن، شکافتن، شکاندن، شکستن، شناختن، شنیدن، غریدن، فهمیدن، قاپیدن، کاشتن، کاویدن، کشتن، کشیدن، کوبیدن، کوچیدن، کوشیدن، کوفتن، گذاشتن، گرفتن، گریستن، گریختن، گستردن، گسستن، گشودن، لمباندن، لمیدن، لنگیدن، لیسیدن، لولیدن، مالیدن، مردن، مکیدن، نگریستن، نوشیدن، هراسیدن، یافتن

(۲) [+انسان] (انسان) شامل:

آزمودن، آغشتن، آکندن، آگاهاندن، آلودن، انگاشتن، افروختن، افزودن، بالیدن، باوراندن، بخشاییدن، بخشودن، بوسیدن، بیختن، پالودن، پذیرفتن، پرداختن، پرستیدن، پسندیدن، پنداشتن، پوشیدن، پیراستن، پیمانیدن، تاباندن (تاب دادن)، تاختن، تراشیدن، خریدن، خندیدن، خواندن، خيساندن، درویدن، دمیدن، دوشیدن، رنجیدن، زدودن، ساختن (تحمل کردن)، ساییدن، سپردن، ستردن، ستودن، سراییدن، سرودن، شوریدن، طلبیدن، فریفتن، قبولاندن، کشتن، گداختن، گذراندن، گذشتن (بخشیدن)، گراییدن، گرویدن، گزاردن (گراشتن)، گزیدن، گفتن، گماشتن، لاسیدن، نازیدن، نالیدن، نکوهیدن، نگاشتن، نمایاندن، نمودن، نواختن، نوشتن، نهادن، نهفتن

(۳) [- عینی] (انتزاعی) شامل: آمرزیدن، انجامیدن

(۴) [+ جاندار، \_ جانور] (گیاه و اشیاء) شامل: خشکیدن

(۵) [+ عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان] (انتزاعی، اشیاء، انسان، گیاه، حیوان) شامل: استن (هستن)، بودن، توانستن، داشتن، رسیدن، شدن، گنجیدن، ماندن

(۶) [+ جاندار، ± جانور، ± انسان] (اشیاء، انسان، حیوان، گیاه) شامل: افتادن، پوشیدن، چسبیدن، رفتن، رقصیدن، ریختن، سوختن، شمردن، غلطیدن، گردیدن، لرزیدن، ارزیدن، چرخیدن، دادن

(۷) [+ جاندار، + جانور، + انسان] (انسان و اشیاء) شامل: چاپیدن، دوختن، فشردن، خروشیدن

(۸) [- جاندار] (اشیاء) شامل: باریدن، تابیدن، تراویدن، جوشیدن، چربیدن، چکیدن، گسیختن، گندیدن، ماسیدن، وزیدن، رسیدن (از حالت کال در آمدن)، تکیدن

(۹) [+ جاندار، + جانور، ± انسان] (انسان، حیوان و اشیاء) شامل: آوردن، بردن (حمل کردن)، بردن (پیروز شدن)، برگشتن، پاشیدن، پیمودن، پیوستن، ترکیدن، چپیدن، چرخیدن، زدن، نشستن، فرستادن، فروختن، کاستن، کندن، گذشتن (عبور کردن)، گشتن، لغزیدن، نشستن

(۱۰) [+ عینی، + جاندار، ± جانور، ± انسان] (انتزاعی، انسان، حیوان، گیاه) شامل: پراکندن

(۱۱) [- جانور] (گیاه) شامل: پژمردن، پلاسیدن، روییدن، شکفتن، رستن

(۱۲) [+ جاندار] (اعضای بدن و اشیاء) شامل: تپیدن، خاریدن، چروکیدن، شکافتن

(۱۳) [- انسان] (حیوان) شامل: چریدن، گزیدن

(۱۴) [+ جانور، ± انسان] (انسان، حیوان و گیاه) شامل: خوابیدن

(۱۵) [+ جانور، \_ انسان] (انسان و اشیاء) شامل: پریدن (پرواز کردن)

(۱۶) [+ عینی، + انسان] (انتزاعی و انسان) شامل: آفریدن، بخشیدن (آمرزیدن، رحم کردن)، بخشیدن (عطا کردن)

#### ۴-۴-۳ بررسی موضوع دوم

الف) موضوع دوم افعالی که تنها دو موضوع دارند در ۲۱ گروه قرار گرفت که در ذیل می‌آید:

(۱) [± جاندار، ± جانور، ± انسان] شامل:

آراستن، آلودن، آوردن، استن (هستن)، انداختن، بردن، برگرداندن، بستن، بوسیدن، بوییدن، پاییدن، پختن، پذیرفتن، پیراستن، جویدن، چلانیدن، خریدن، خوردن، دریدن، دزدیدن، راندن، ربودن، رهیدن، شستن، فروختن، فشردن، قاپیدن، کشیدن، گرفتن، لیسیدن

(۲) [± عینی، ± انسان] شامل: آزدن، رنجیدن، ساختن (تحمل کردن)، فریفتن

(۳) [± انسان] شامل: آزمودن، آگاهاندن، افکندن، بخشاییدن، بخشودن، بخشیدن (آمرزیدن، رحم کردن)، زاییدن، زدن، کشتن، گزیدن، گذشتن (بخشیدن)

(۴) [± جاندار] شامل:

آشامیدن، آکندن، استن (هستن)، افراشتن، افروختن، افشانیدن، اندوختن، بافتن، بیختن، پاشیدن، پوشیدن، پیچیدن، پیمانیدن، پیمودن، تراشیدن، تنیدن، چربیدن، چیدن، خواندن، خیساندن، درویدن، دوختن، رفتن، ریسیدن، ساختن، ساییدن، ستردن، شنیدن، غلطیدن، کاویدن، کوبیدن، کوفتن، گداختن، گشتن، گشودن، گنجیدن، لمباندن، ماسیدن، نوشیدن

(۵) [± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان] شامل:

آفریدن، استن (هستن)، اندیشیدن، بالیدن، بودن، پراکندن، پرستیدن، پرداختن (مشغول شدن)، پسندیدن، جستن، چسبیدن، خواستن، داشتن، دیدن، رسیدن، سنجیدن، شمردن، شناختن، طلبیدن، فرستادن، کاستن، گزیدن، ماندن، نازیدن، نگرستن، نمایاندن، یافتن

(۶) [- عینی] شامل: آموختن، ارزیادن، انجامیدن، باختن، پرسیدن، دانستن، سراییدن، سرودن، فرمودن، فهمیدن، گذراندن، گرویدن، گزاردن (گذاشتن)، گفتن، نواختن، نوشتن

(۷) [+ انسان] شامل: آمرزیدن، نکوهیدن

(۸) [± جاندار، ± جانور، ± انسان] شامل: بخشیدن (عطا کردن)

(۹) [± عینی، ± جاندار] شامل: پالودن، پرداختن، چشیدن، رستن، ریختن، گذشتن (عبور کردن)

(۱۰) [± جانور، ± انسان] شامل: پروردن

(۱۱) [± جاندار، + جانور، ± انسان] شامل: بردن (پیروز شدن)، پیوستن، تاباندن (تاب دادن)

(۱۲) [+ جاندار] شامل: تپیدن

(۱۳) [± عینی، ± جاندار، + جانور، ± انسان] شامل: جنگیدن

(۱۴) [± جاندار، + جانور، + انسان] شامل: چاپیدن

(۱۵) [± جاندار] شامل: خراشیدن، مکیدن

(۱۶) [ \_انسان ] شامل: دوشیدن

(۱۷) [ ± عینی، ± جاندار، ± جانور، \_ انسان ] شامل: ستاندن

(۱۸) [ ± عینی، + انسان ] شامل: ستودن، شوریدن، نمودن

(۱۹) [ ± جاندار، \_ جانور ] شامل: بریدن، شکافتن، شکاندن، شکستن، کاشتن، کندن

(۲۰) [ ± عینی، + جاندار، ± انسان ] شامل: گراییدن

(۲۱) [ \_ عینی، \_ جاندار ] شامل: نگاشتن

ب) موضوع دوم افعالی که بیش از دو موضوع دارند در ۷ گروه قرار گرفت که در ذیل می‌آید:

(۱) [ \_ جاندار ] شامل: آمیختن، مالیدن، افشاندن

(۲) [ ± جاندار، ± جانور، ± انسان ] شامل: آغشتن، آویختن، افزودن، افکندن، راندن، سپردن، سنجیدن، گذاشتن (گذاردن)، نامیدن، نهادن، نهفتن

(۳) [ \_ جاندار، \_ جانور ] شامل: انباشتن

(۴) [ ± عینی، \_ جاندار ] شامل: زدودن، ساییدن

(۵) [ + انسان ] شامل: گماشتن (گماردن)

(۶) [ ± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان ] شامل: انگاشتن، دادن

(۷) [ \_ عینی ] شامل: باوراندن، قبولاندن

#### ۴-۴-۴ بررسی موضوع سوم

در مجموع ۲۲ فعل ساده، موضوع سوم دارند که مولفه‌های معنایی آنها در ۸ گروه به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شود:

(۱) [ \_ جاندار ] شامل: آمیختن، انباشتن، ساییدن، سنجیدن، نهادن، نهفتن

(۲) [ ± جاندار، \_ جانور ] شامل: آویختن

(۳) [ ± جاندار، ± جانور، ± انسان ] شامل: افزودن، سپردن، راندن

(۴) [ ± عینی، - جاندار ] شامل: آغشتن، افشاندن، افکندن، زدودن

- (۵)  $\pm$  جاندار [ شامل: گذاشتن (گذاردن)، مالیدن
- (۶)  $[-$  عینی] شامل: انگاشتن، گماردن (گماشتن)، نامیدن
- (۷)  $[\pm$  عینی،  $\pm$  جاندار،  $\pm$  جانور،  $\pm$  انسان] شامل: دادن
- (۸)  $[+]$  انسان [ شامل: باوراندن، قبولاندن

**فصل پنجم:**  
**جمع بندی و نتیجه گیری**



این فصل شامل مروری بر روند انجام پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری، بیان محدودیت‌ها و آرایه‌ی پیشنهادات خواهد بود.

## ۵-۲ مروری بر روند انجام پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش‌های تتایی و محدودیت‌های گزینشی افعال ساده‌ی متداول فارسی صورت گرفته است. بدین منظور افعال ساده از فرهنگ شش جلدی معین استخراج گردید و برای اطمینان از متداول بودن افعال، فهرست افعال به ۲۰ نفر سخن‌گوی زبان فارسی با دانش متوسط زبانی آرایه گردید. این افراد افعال متداول را استخراج کردند و برای هر فعل مثال‌هایی برای تعیین ظرفیت معنایی و تعیین نقش‌های تتایی و محدودیت‌های گزینشی آرایه نمودند. همچنین ۳۰ شماره از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان به منظور استخراج افعال ساده‌ی متداول فارسی مورد بررسی قرار گرفت و افعال به کار رفته در آنها نیز استخراج شد. در مرحله‌ی بعدی با توجه به مثال‌های طرح شده و همچنین نظرخواهی از سخنگویان، نقش‌های تتایی افعال و محدودیت‌های گزینشی آنان تعیین شد که در فصل چهارم به تفصیل معرفی شدند.

## ۵-۳ بحث و نتیجه‌گیری

برای انجام پژوهش حاضر، از فرهنگ معین ۱۴۴۴ فعل ساده استخراج گردید. این افعال شامل افعال متداول، منسوخ، شکل سببی افعال، افعال با تغییر آوایی و افعالی است که اکنون به فعل پیشوندی و یا مرکب تبدیل شده‌اند. از مجموع افعال ذکر شده، ۲۵۱ فعل به عنوان افعال ساده‌ی متداول فارسی استخراج شدند و برای اطمینان از متداول بودن آنها، با افعال مستخرج از ۳۰ شماره‌ی روزنامه‌های اطلاعات و کیهان مقایسه شدند، هرچند که همه‌ی این افعال در روزنامه‌ها به کار نرفته بودند. از میان افعال مذکور ۶۶ فعل ناگذر (لازم)، ۵ فعل دو وجهی، ۵ فعل ربطی (استن، بودن، شدن، گشتن و گردیدن) و ۱۷۳ فعل گذرا (متعدی) است. افعال مورد نظر از دو جنبه‌ی تعداد موضوعات هر فعل و نقش‌های تتایی آنها و مولفه‌های معنایی که تعیین‌کننده‌ی محدودیت‌های گزینشی افعال هستند، مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج ذیل حاصل شد:

در بررسی نقش‌های معنایی به یک یا دو و یا سه موضوع می‌رسیم. موضوع نخست: از مجموع ۲۵۱ فعل بررسی شده، ۵ فعل ربطی «استن، بودن، شدن، گشتن و گردیدن» به هیچ موضوعی نقش تتایی نمی‌دهند. ۲۳۴ فعل به موضوع اول خود نقش کنشگر می‌دهند و ۱۴ فعل نیز به موضوع نخست خود نقش تجربه‌گر اعطا می‌کنند. موضوع دوم: ۵ فعل ربطی بعلاوه‌ی ۶۶ فعل ناگذر (لازم) موضوع دوم ندارند. همچنین ۶ فعل دو وجهی نیز وجود دارد که می‌توانند موضوع دوم داشته باشند یا نداشته باشند. ۱۵۹ فعل به موضوع دوم خود نقش تتایی کنش پذیر می‌دهند. ۷ فعل نقش هدف و ۱۵ فعل نیز به موضوع دوم خود نقش تتایی مکان اعطا می‌کند.

موضوع سوم: در مجموع ۲۲ فعل نیاز به موضوع سوم دارند که اغلب نقش‌های هدف، بهره‌ور، ابزار و مکان را به خود اختصاص داده‌اند.

با بررسی مولفه‌های معنایی افعال و تعیین محدودیت‌های گزینشی آنها نتایج ذیل به دست آمد:

موضوع نخست افعال در ۱۶ گروه با محدودیت‌های گزینشی مشخص، قرار گرفت که عبارتند از: [±انسان] (انسان و حیوان)، [+انسان] (انسان)، [-عینی] (انتزاعی)، [± جاندار، \_ جانور] (گیاه و اشیاء)، [± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان] (انتزاعی، اشیاء، انسان، گیاه، حیوان)، [± جاندار، + جانور، + انسان] (انسان و اشیاء)، [± جاندار] (اشیاء)، [± جاندار، + جانور، ± انسان] (انسان، حیوان و اشیاء)، [± عینی، + جاندار، ± جانور، ± انسان] (انتزاعی، انسان، حیوان، گیاه)، [\_ جانور] (گیاه)، [+جاندار] (اعضای بدن و اشیاء)، [\_ انسان] (حیوان)، [± جانور، ± انسان] (انسان، حیوان و گیاه)، [± جانور، \_ انسان] (انسان و اشیاء)، [± عینی، + انسان] (انتزاعی و انسان)

افعال در بحث موضوع دوم به دو بخش تقسیم شدند: الف) موضوع دوم افعالی که تنها دو موضوع دارند در ۲۱ گروه قرار گرفت که در ذیل می‌آید:

[± جاندار، ± جانور، ± انسان]، [± عینی، ± انسان]، [± انسان]، [\_ جاندار]، [± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان]، [-عینی]، [+انسان]، [\_ جاندار، \_ جانور، \_ انسان]، [± عینی، \_ جاندار]، [± جانور، ± انسان]، [± جاندار، +جانور، ± انسان]، [+جاندار]، [± عینی، ± جاندار، +جانور، ± انسان]، [± جاندار]، [\_ انسان]، [± عینی، ± جاندار، ± جانور، \_ انسان]، [± عینی، + انسان]، [± جاندار، \_ جانور]، [± عینی، + جاندار، ± انسان]، [± عینی، \_ جاندار]

ب) موضوع دوم افعالی که بیش از دو موضوع دارند در ۷ گروه قرار گرفت که در ادامه می‌آید: [\_ جاندار]، [± جاندار، ± جانور، ± انسان]، [\_ جاندار، \_ جانور]، [± عینی، \_ جانور]، [+انسان]، [± عینی، ± جاندار، ± جانور، ± انسان]، [± عینی، \_ جاندار]

در بررسی موضوع سوم نیز این نتایج به دست آمد: در مجموع ۲۲ فعل ساده، موضوع سوم دارند که مولفه‌های معنایی آنها در ۸ گروه به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شود: [\_ جاندار]، [± جاندار، \_ جانور]، [± جاندار، ± جانور، ± انسان]، [± عینی، - جاندار]، [± جاندار]، [± عینی]، [± جاندار، ± جانور، ± انسان]

بنابراین با توجه به بررسی‌ها و تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته، می‌توان تحلیل دقیق‌تری از افعال ساده زبان فارسی به دست آورد و از این نتایج برای تهیه‌ی سامانه‌ی معنایی افعال زبان فارسی، تهیه‌ی پیکره معنایی و همچنین کمک به بهبود کارکرد غلط‌یاب‌های فارسی بهره برد.

#### ۴-۵ محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌های نظری روبه‌رو بود. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش دشواری تعیین نقش‌های تتایی و محدودیت‌های گزینشی افعال بود. قاعدتا در مباحث معنایی بر خلاف مباحث

نحوی نمی‌توان صرفاً به شم زبانی یک سخنگو اکتفا کرد و به همین دلیل در این پژوهش از ۲۰ سخنگوی بومی نیز کمک گرفته شد تا به صورت مشورتی و اجماعی نقش‌های تتایی و محدودیت‌های گزینشی افعال تعیین شوند. بدیهی است به دلیل همین محدودیت، برخی نتایج و طبقه‌بندی‌های این پژوهش می‌تواند از سوی پژوهشگران مورد بحث و تشکیک قرار گیرد و محل مناقشه باشد. محدودیت دیگر این پژوهش تعیین میزان متداول بودن افعال بود زیرا معیار مشخصی برای این مساله وجود ندارد و صرفاً می‌توان به نظر سخنگویان تکیه کرد. محدودیت دیگر این تحقیق تعیین محدودیت‌های گزینشی افعال با توجه به کاربرد رسمی، غیر رسمی و ادیبانه‌ی آنها بود. با توجه به این که در این پژوهش صرفاً کاربرد رسمی و نه غیر رسمی و یا ادیبانه افعال مد نظر بود، یافتن مولفه‌های معنایی افعال گاهی با دشواری‌هایی رو به رو می‌شد زیرا گاهی تعیین مرز شفاف بین این سه نوع کاربرد آسان نیست.

## ۵-۵ پیشنهادها

با توجه به گستردگی مباحث مربوط به افعال در زبان فارسی پیشنهاد می‌شود محدودیت‌های گزینشی و نقش‌های معنایی افعال ساده در کاربردهای غیر رسمی و ادبی نیز بررسی شود.

## منابع و ماخذ

### منابع فارسی

- باطنی، محمدرضا. (۱۳۵۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- چراغی، زهرا و کریمی دوستان، غلامحسین. (۱۳۹۲). «طبقه بندی افعال فارسی بر اساس ساخت رویدادی و نمودی» *پژوهش‌های زبانی*. سال ۴، شماره ۲. صص ۴۱-۶۰.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی گشتاری*، ویراست دوم. تهران: انتشارات سمت.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۱). «گزاره‌های غیر فعلی در زبان فارسی». *نشریه‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال اول. شماره‌ی اول.
- رسولی، محمد صادق. (۱۳۹۱). *فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی*. دبیرخانه‌ی شورای عالی اطلاع رسانی. قابل دسترس در: [www.dadegan.ir/catalog/pervallex](http://www.dadegan.ir/catalog/pervallex)
- رسولی، محمد صادق، مینایی بیدگلی، بهروز، فیلی، هشام و امینیان، مریم. (۱۳۹۱). «استخراج بی‌ناظر ظرفیت فعل در زبان فارسی». *دو فصل‌نامه‌ی پردازش علائم و داده‌ها*. شماره‌ی ۲.
- رفیعی، عادل. (۱۳۸۶). *نگاهی به عملکرد معنایی پسوند‌های اشتقاقی زبان فارسی*. رساله‌ی دکتری در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
- طیب زاده، امید. (۱۳۸۵). *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز*، پژوهشی بر اساس نظریه‌ی دستور وابستگی. تهران: نشر مرکز.
- کرد زعفرانلو، عالیه و عبدالکریمی، سپیده و گلغام، ارسلان. (۱۳۹۰). «مجهول سازی افعال مرکب فارسی از منظر معنایی و نظریه‌ی معنی‌شناسی مفهومی». *فصلنامه‌ی زبان و ادبیات تطبیقی*. دوره‌ی ۲. شماره ۲. صص ۱۷-۱.
- کریمی دوستان، غلامحسین. (۱۳۷۹). «برخی ترکیبات و اشتقاقیات فارسی و نظریه‌ی ساخت موضوعی». *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره‌ی ۱۵. شماره‌ی ۲.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*. ویرایش دوم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- منصوری زاده، محرم و نصیری، محمد. (۱۳۹۱). «روابط ساختاری در وردنت فاوا (فن آوری اطلاعات و ارتباطات)». *گزارش طرح پژوهشی در پژوهشکده‌ی فن آوری اطلاعات*. قابل دسترسی در: [www.vlib.itrc.ac.ir](http://www.vlib.itrc.ac.ir)
- معین، محمد. (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی*. چاپ هجدهم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مولوی، امیر سعید و کوهستانی، منوچهر و رسولی، محمد صادق. (۱۳۹۰). «فرهنگ ظرفیتی فعل: تلاشی در جهت آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان». *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی چشم‌انداز، راهکارها و موانع گسترش زبان و ادب فارسی*. تهران.

مهرجو، علی. (۱۳۹۴). «بررسی ظرفیت فعل در زبان فارسی معاصر». جستارهای زبانی. سال ۶، شماره ۶، صص ۲۸۱-۲۹۷.

## منابع انگلیسی

- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding theory*. 2<sup>nd</sup> edition. Blackwell.
- Kroeger, P. R. (2005). *Analysing grammar, An introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Manouilidou, C. Almedia, R. Schwartz, G. Nair, N. P.V, (2009). "Thematic roles in Alzheimer's Disease: Hierarchy violations in psychological predicate". *Journal of NeuroLinguistics*, 22, 167-186.
- Rafiei, A. & Azhari, S. (2013). Selectional restriction on the derivational Persian suffix / -ane/. *International Journal of linguistics*. Vol. 15. No. 3.
- Schwartz, H. A. & Gomez, F. & Millward, C. (2008). A semantic feature for verbal predicate and semantic role labeling using SVMs. Association for advancement of artificial intelligence. Available at: [www. Aaai.org](http://www.Aaai.org).